

ماهیانه

# مردم ارکان مرکزی حزب توده ایران

کوتاه باد دست امپریالیسم متجاوز آمریکا از خاک ویت نام!  
پیروز باد پیکار مقدس و عادلانه مردم ویت نام!

در این شماره این دو مقاله مهم را حتما بخوانید

صفحات ۴ - ۵ - ۶

یک خط مشی سکناریستی و ماجراجویانه

خلیل ملکی در موضع  
تسلیم طلبی و اپورتونیسم  
صفحات ۲ - ۳

سخنرانی رفیق رادمنش صدر بوروی کمیته مرکزی  
حزب توده ایران در بیست و سومین کنگره حزب کمونیست

## اتحاد شوروی

## کنگره بیست و سوم حزب کمونیست اتحاد شوروی کنگره پیشروی بسوی کمونیسم

سوسیالیسم و کمونیسم در مقیاس جهانی است.  
در گزارشی که رفیق برژنف از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بکنگره حاضر تقسیم نمود ارزیابی مثبتی از بهبود روابط ایران و اتحاد شوروی شده است. ما همیشه هوادار و مدافع بسط و توسعه هرچه بیشتر روابط ایران و اتحاد شوروی بوده ایم و آنرا نه تنها برای رشد و تکمیل اقتصادی و اجتماعی میهن خود بلکه برای استقلال و آزادی ایران ضروری می‌شماریم. کمک شما در باره ساختن نخستین کارخانه ذوب آهن که یکی از آرزوهای دیرین مردم ایران بشمار می‌رود و نزدیک به نیم قرن است که اجراء آن در نتیجه تحریمات کشورهای امپریالیستی بتعمیق افتاده است گام بزرگی در جهت رشد و تکمیل صنایع نوزاد ایران و در سمت تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی میهن ما بشمار می‌رود. به همین سبب حزب ما بنمایندگی از طرف همه افراد حزب، همه زحمتکشان و میهن پرستان ایران در این باره و در باره سایر کمک‌هایی که نسبت بشکوه ما مبنول می‌دارند صمیمانه تشکر می‌کند.

رفقای عزیز!  
اجازه دهید از طرف هیئت نمایندگی حزب توده ایران درود های پرشور حزب ما و همه مردم زحمتکش و مترقی ایران را بشما و یوسپله شما به همه خلق‌های میهن کبیرتان بمناسبت تشکیل بیست و سومین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و پیروزی‌های شگرفی که درخشانی که در کلیه شئون احراز نموده اید تقدیم و موقتیتهای باز هم بیشتری را برای شما آرزو کنم.  
کنگره بیست و سوم حزب کمونیست اتحاد شوروی گام بزرگ تازه ای در راه ساختمان پایه های مادی و فنی جامعه کمونیستی در اتحاد شوروی و حادثه عظیم و بسیار پر اهمیت جهانی است. کنگره حاضر بدون تردید نقش مهمی در بسط قدرت و استحکام اردوگاه سوسیالیستی، در پیوند و همبستگی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و در توسعه و رشد و تکمیل جنبش‌های رهایی بخش ملی ایفای خواهد نمود. اتحاد شوروی در پیشاپیش کشورهای سوسیالیستی و تمام بشریت مترقی نیرومند ترین حافظ صلح جهانی، بزرگترین حامی و مدافع آزادی و استقلال ملل مظلوم و ستمکش و راهما و مشلدار بحق و شایسته راه و ساختمان

لغویند برزنف ضمن اشاره به توسعه عملیات تجاوزکارانه امپریالیسم و خطری که از این جانب صلح جهانی را تهدید می‌کنند گفت مع الوصف اما اعتقاد راسخ داریم که نتیجه گیری جنبش جهانی کمونیستی در باره امکان مهار کردن متجاوز و پیشگیری جنگ جهانی جدید بقوت خود باقیست. وی افزود که برای تبدیل این امکان به واقعیت مبارزه چندان و پیگیر تمام نیرو های صلح دوست لازم است و در این زمینه کشورهای سوسیالیستی مسئولیت خاصی به عهده دارند و به همین جهت اتحاد شوروی در راه تقویت قدرت دفاعی خود اهتمام خستگی ناپذیر می‌ورزد.  
حزب کمونیست اتحاد شوروی خود را موظف میدانند و هشجاری مردم شوروی را در قبال دسائس دشمنان صلح در سطح عالی نگاهدارد و تمام اقدامات لازم را بعمل آورد تا اگر متجاوزین در صدد بر هم زدن صلح بر بقیه در صحنه ۸

کنگره بیست و سوم حزب کمونیست اتحاد شوروی از روز ۲۹ مارس تا ۸ آوریل ۱۹۶۶ در مسکو برگزار شد. در کار کنگره ۴۹۴۲ نماینده از سراسر حزب ۱۲ میلیونی کمونیستهای شوروی شرکت کردند. احزاب کمونیست و کارگری برادر، عده زیادی از احزاب دموکراتیک مای و سوسیالیست از ۸۶ کشور ۵ قاره جهان نمایندگان خود را بکنگره فرستاده بودند. هیئت نمایندگی حزب توده ایران نیز در کنگره شرکت داشت. شرکت وسیع نمایندگان جنبش های انقلابی آزادیبخش کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین در کنگره نمودار بارز همبستگی انقلابی و پیوند محکم میان این جنبشها و حزب کمونیست و مردم اتحاد شوروی بود.

حزب کمونیست اتحاد شوروی با دستاورد های تازه ای در کلیه شئون اقتصادی اجتماعی، سیاسی، علمی و فنی بکنگره رفته بود. ماهواره «لونا - ۱۰» که بدست دانشمندان مهندسان و کارگران شوروی بهمدار ماه روانه شده بود نقض مثالی پیروزیهای مردم شوروی را به عهده گرفت و پس از رسیدن به مقصد سرود انقلابی انترناسیونال را از عرش بزمین مخابره کرد. این سرود در فضای تالار کنگره طنین افکن شد. کنگره پس از استماع گزارش آلودین برژنف درباره ابلت کمیته مرکزی و بحث پیرامون آن - مشی سیاسی و فعالیت کمیته مرکزی و نتیجه گیریها و پیشنهاد های مطروحه در گزارش را تأیید کرد. کنگره رهنمود های مربوط به برنامه پنجساله هشتم را که آلکسی کاسیگین در باره آن گزارش داد بررسی و تأیید کرد. کنگره قرار مربوط به برخی تغییرات در اساسنامه حزب را که هدفش تحکیم بیشتر مبانی سازمانی و ایدئولوژیک و سیاسی حزب است تصویب کرد و سپس اعضای ارگانهای رهبری حزب را انتخاب نمود. کنگره در جلسه نهائی خود اعلامیه ای بمناسبت تجاوز آمریکا به ویتنام تصویب کرد.

## مبارزه برای نجات میهن پرستان ایرانی از مرگ اوج میگیرد

جنبش دفاع از زندانیان سیاسی ایران با اعتراض بمحاکمه و محکومیت غیرقانونی اعضاء حزب توده ایران و اعضاء حزب اتحاد ملل اسلامی و برای نجات پرویز حکمت جو و علی خاوری و محمد کاظم بجنوردی از مرگ پیش از پیش توسعه مییابد. طبق آخرین خبر بنا بابتکار کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران و سازمان دانشجویان ایرانی در هامبورگ و پشتیبانی و نظارت کنگره دانشجویان ایرانی ساعت ده صبح ۲۲ آوریل اعصاب غذای دانشجویان آغاز گردید. تا ۲۶ آوریل نمایندگان شهرهای هامبورگ، کیل، برانشوایگ، هانور، کان، گوتینگن، کلاستال، مونیخ، کارلسروه، برلین غربی و دوسلدورف که رویهم ۴۸ نفر اند، در اعصاب غذا شرکت کرده اند. تا این روز به بیش از ۱۴ مجمع و شخصیت بین المللی تلگرافهایی برای جلب پشتیبانی آنها مخابره شده است. شخصیتها و سازمانهای زیر طلی تلگرافهایی بمقامات ایرانی و مراجع بین المللی باحکام اعدام و جنبش در باره میهن پرستان ایرانی اعتراض کرده اند:  
جمعی از نمایندگان پارلمان انگلستان، جمعی از نمایندگان پارلمان ایتالیا، جمعی از استادان دانشگاه پاریس و شخصیتهای ادبی و اجتماعی فرانسه، سازمان عفو بین المللی، اتحادیه بین المللی حقوقدانان دسکرات، جامعه بین المللی جوانان سوسیالیست، اتحادیه بین المللی دانشجویان، کنفرانس بین المللی دانشجویان، کنگره سالیانه اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه، نمایندگان دانشجویان ۵۲ کشور در شهر برنلن لهستان، کنگره دانشجویان عمومی کار فرانسه، کمیته های دفاع در بسیاری از شهرها و کشورهای اروپایی و آمریکایی، سازمانهای ملی دانشجویی بسیاری از کشورهای، کنفرانس بخش آلمانی سازمان عفو بین المللی، کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران، در چکوسلواکی و جمهوری دموکراتیک آلمان، جمعیت دانشجویان پروتستان در هامبورگ، سازمان دانشجویان آلمانی در هامبورگ.  
ما باعصاب کنندگان و همه مبارزان ایرانی درود پرشور میفرستیم. ما از همه شخصیتها و سازمانهای خارجی و بین المللی که با میهن پرستان ایرانی ابراز همبستگی میکنند سپاسگزاریم. ما میطلبیم که بویژه میهن پرستان ایرانی در تشدید مبارزه و در تحکیم اتحاد خود بکوشند. زیرا فقط در اینصورت است که میتوان رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک ایران را از ادامه جنایتکاری بازداشت.

تغییر تناسب قوا در صحنه جهانی بشع نیروهای صلح، دموکراسی و سوسیالیسم و همچنین بسط روز - افزون مبارزه و فشار نیرو های ملی و دموکراتیک ایران همراه با مشکلات فراوان اجتماعی و اقتصادی هیئت حاکمه ایران را مجبور کرده است که در شیوه های دیرین خود تغییراتی دهد و با یک سلسله اصلاحات که مهمترین آنها رقم ناپذیر و محدود ارضی است موافقت نماید. اگرچه محضی عمده این تغییرات بسط مناسبات سرمایه داری در روستا و شهر است و با نظریه حزب ما که راه پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشور را از طریق توسعه سرمایه داری میدانند، مغایر است. ولی با این وجود چون مناسبات فئودالی و ماقبل سرمایه داری را در کشور ما متزلزل نمیکند، ما این تغییرات را با نظر مثبت مینگریم. ولی تذکر این نکته لازم است که این تغییر شیوه ها و اصلاحات در ماهیت ضد ملی و استبدادی رژیم کنونی تغییری نداده است. وابستگی سیاسی و اقتصادی و نظامی کشور ما به کشورهای امپریالیستی و در درجه اول با امپریالیسم آمریکا همچنان ادامه دارد و از مردم ایران کماکان هرگونه حقوق دموکراتیک سلب شده است. برای مثال کافی است ذکر شود تنها در جریان یک سال اخیر محاکم نظامی ایران ۳۹ حکم اعدام علیه افراد منتسب به تمایلات مختلف سیاسی صادر نموده اند که ۲۰ حکم آن تاکنون بعمرض اجرای درآمده است. در این روزها ۸ نفر از رفقای حزبی ما در محاکم در بسته نظامی تهران محاکمه میشوند و برای دو نفر آنها رقتا پرویز حکمت جو و علی خاوری تقاضای اعدام شده است. یقین است که در این مورد همبستگی بین المللی نقش خود را برای نجات رفقای ما ایفاء خواهد نمود.  
علیرغم همه دشواریها، مبارزه برای استقرار یک بقیه در صحنه ۷

### خلیل ملکی خود خویش را رسوا ساخت

در مقابل طبقه کارگر ایران که همیشه در صفوف مقدم جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی ایران قرار داشته و دارد موانع و مشکلات فراوانی وجود داشته است عمده ترین این مشکلات را طبقات حاکمه مرتجع و امپریالیسم ایجاد کرده اند و حزب طبقه کارگر حزب توده ایران همواره با آنها روبرو بوده است. غلبه بر این مشکلات آسان نبوده و نیست زیرا طبقه کارگر باید علیه طبقاتی مبارزه کند که دارای تجربه سیاسی بوده، اهرمهای اقتصادی را در دست دارند و از کلیه وسائل اعمال زور برخوردارند. طی ۲۵ سالگی که از تأسیس حزب ما میگذرد هزارها تن از بهترین فرزندان میهن ما که در صفوف حزب فعالیت کرده اند و حیثیانه قتل رسیده اند، دهها هزار زندانها و تبعیدگاهها گسیل شده اند، سازمانهای حزبی در این مدت تنها چند سال امکان فعالیت علنی داشتند که آنها در تمام نقاط ایران نبوده است. طی تمام تاریخ موجودیت حزب ما ترور پلیسی، شکنجه، اعدام شوهه عادی هیئت حاکمه در مبارزه بر علیه حزب ما بوده و هست. ولی در مبارزه بر ضد جنبش رهایی بخش مردم هیئت حاکمه تنها به ترور و اعمال زور اکتفا نکرده به اموال و بیوه های گوناگون فریب عناصر نا آگاه توسل جسته است تا آنها را از مبارزه باز دارد. ایجاد اتحادیه های دولتی و احزاب سفارشی از جمله این اقدامات هیئت حاکمه بشمار میروند. فعالیت عناصر رفرمیست از قبیل خلیل ملکی نیز در جهت همین اقدامات هیئت حاکمه است.

حزب ما پس از انشعاب خلیل ملکی مقلاتی برای نشان دادن سیمای واقعی او انتشار داد. اینک متن دفاع خلیل ملکی که بتفصیل در جرایم دولتی انتشار یافته یکبار دیگر ختایی را که در باره خلیل ملکی از طرف حزب ما ابراز شده بود تأیید میکند. این متن دفاع که جرایم دولتی «اطلاعات» و «کیهان» آنرا طی شماره های عمیده ای نشر داده اند سند جامعی است برای نشان دادن دکتورین سیاسی خلیل ملکی. این سند با وضوح انکار ناپذیر نشان میدهد که خلیل ملکی در جناح راست افراطی سوسیال رفرمیسم قرار دارد که جانی است که کاملاً با هیئت حاکمه و مخالف ارتجاعی در می آمیزد. خلیل ملکی تحول انقلابی را رد میکند و اصلاحات تدریجی در کادر حفظ رژیم را قبول دارد. خلیل ملکی مبارزه مخفی را رد میکند و مبارزه علنی را مطلق میسازد. خلیل ملکی مبارزات قهرآمیز را رد میکند و تنها اقدامات عادی میبالت آهیز را قبول دارد و آنرا مطلق میسازد. خلیل ملکی نه فقط با شاه مستبد ایران مبارزه ندارد بلکه به تحلیل و تجمیع وی دست میزند. نقشه خلیل ملکی بسیار ساده است: او میخواهد با نشان دادن سمع ترین چهره های ضد کمونیستی و ضد توده ای و با تخریب و تحسین از شخص شاه و با احتراز از هرگونه اقدامی در وری تجویزات رژیم، اعتماد هیئت حاکمه را بخود جلب کند و راه خویش را بسوی قدرت بگشاید. خلیل ملکی وعده میدهد که او و با افرادی از اکپب او بالاخره بر سر کار خواهند آمد و بالاخره هیئت حاکمه روزی مجبور خواهد شد از سوسیال رفرمیسم او برای مقابله با نهضت انقلابی استفاده کند. خلیل ملکی میخواهد خود را به نیروی ذخیره هیئت حاکمه مهمل سازد.

آنچه که ما را بمبارزه با خلیل ملکی وامیدارد جنبه خشن ضد توده ای او نیست؛ بلکه دکتورین مضمر و تسلیم طلبانه ضد انقلابی اوست. در این اواخر مدافعات آقای مهدی بازرگان استاد دانشگاه در دادگاه فرستاده نظامی بدست ما رسید. در این مدافعات نیز سخن و تقاضات دوستانه ای نسبت به حزب توده ایران و بکار زنده است ولی این مدافعات علیرغم نظریات ویژه ای که در آن وجود دارد از موضع مقاومت علیه رژیم و شاه انجام گرفته است، لذا در نظر ما دارای ارزش مثبت است. مدافعات خلیل ملکی که در موضع تسلیم نسبت به شاه و توجیه رژیم است در نظر ما دارای ارزش منفی است. ما در باره سند مدافعات خلیل ملکی سخن گفتنی بسیار داریم و اینک در این مقاله به برخی از این مطالب میپردازیم. خلیل ملکی در بخش عمده ادعای مدافعات بر اساس تاکتیک اثبات ضد کمونیسم عنان گسسته خود تاریخ حزب توده ایران را با خشونت تحریف میکند و یک تفسیر من درآورده و دروغ آمیزی از این تاریخ بدست میدهد. ما وارد این بحث نمیشویم زیرا خلیل ملکی با نشان دادن ماهیت واقعی خود در این مدافعات در واقع نشان داده است که عیار واقعی تفسیر ویژه او از تاریخ حزب ما چیست. تنها باین مطلب میپردازیم که چگونه کسی

## خلیل ملکی در موضع اپورتونیسم

### و تسلیم طلبی

انگلستان یعنی حزب «اتالی» نویسون است که کاملاً مورد تأیید امپریالیستهای انگلستان میباشد و خود مجری سیاست امپریالیستی و نواستعماری است. او با هزار زبان توضیح میدهد که وجود حزبی موسوم بسوسیالیست که در رأس آن خلیل ملکی و امثال خلیل ملکی قرار گیرد میتواند برای مبارزه با کمونیسم حربه منسلی در دست هیئت حاکمه باشد.

### تکیه گاههای داخلی خلیل ملکی -

#### دربار و هیئت حاکمه

اما ملکی برای معرفی سوسیالیسم خود تنها به نامردن دوستان سوسیال دموکرات خود اکتفا نمیکند بلکه بطور وسیع و همه جانبه مکتب باصطلاح جدید و منطقی خود را تشریح نموده استراتژی و تاکتیک جمعیتش را توضیح میدهد. او میگوید: «ما همیشه به اعلیحضرت همایونی احترام قائل بوده و هستیم و وجود معظم له را برای ترقی اجتماع ایران ضروری میدانیم. فعالیت سوسیالیستهای نهضت ملی ایران در چارچوب قانون اساسی است در کشور های دیگر نیز همینطور است و در هیچ جا مخالفتی با رژیم سلطنت نیست بهتر است شهنشاهه این جمعیت ملاحظه شود که بشرف عرض مقام شاهانه نیز رسیده است مرتجعین میل ندارند که خلیل ملکی و امثال خلیل ملکی مورد لطف شاهانه باشند. ما از حدود امکانات خارج نمیشویم و اگر اجازه باشد نشریه ای منتشر و میتینگ میدهم و اگر اجازه ندهند کاری نمیکشیم از نظر اصولی هیچ برنامه دولت مخالفی نداریم و برای بهبود وضع راهحالی پیشنهاد میکنیم و راههای پیشنهادی را برای این میگوئیم که در آینده مشکلاتی ایجاد نشود.

و در جای دیگر میگوید: «اینجانب بمناسبت اینکه دربار و شخص اعلیحضرت همایونی مقام ثابت و بدون نوسان برای حفظ استقلال و تمامیت ایران است همواره طرفدار قانون اساسی و مشروطه بوده ام».

در این گفتار بطور فشرده و روشن مجموعه نظریات خلیل ملکی ذکر شده است. خلیل ملکی هم با شخص شاه هم با سیاست او موافق است یعنی با رژیمی که پس از کودتای ۲۸ مرداد بدست امپریالیستهای امریکا و انگلیس بوسیله شاه و همکارانش بر مردم ایران تحمیل شده است هیچگونه مخالفت اصولی ندارد.

نظریات حزب ما در باره رژیم موجود در ایران روشن است و بخصوص در باره خصائص اساسی و شیوه های عمده کار رژیم ضمن تزه های مصوبه بانوم بازدم کمیته مرکزی حزب توده ایران چنین گفته شده است: «نخستین خصیصه اساسی رژیم موجود جنبه ضد ملی است؛ نقض سیاست بيطرفی ستی ایران و شرکت در بیعت ستو» انعقاد قرارداد دو جانبه با امریکا، عرضه داشت ثروت نفت کشور بانحصار های امپریالیستی، اتخاذ سیاست در های باز و دادن شرایط ممتاز بفعالیت سرمایه های امپریالیستی در ایران، قبول کشور تحت نظارت مستشاران بیگانه و دادن حق مصونیت سیاسی باین مستشاران - چنین است مظاهری چند از این جنبه ضد ملی.

دومین خصیصه رژیم موجود جنبه ضددموکراتیک آن است؛ استبداد سلطنتی و کنترل شاه از قوای سه گانه، تسلط کردن سازمان نظامی بر کشور، محاکمات جبارانه در دادگاههای درسته نظامی، شکنجه اعدام، کشتار دسته جمعی مردم، نفی بده و تبعید از کشور بدون دادرسی، ممنوع داشتن احزاب ملی و دموکراتیک، سانسور مطبوعات و ممنوع داشتن جرایم اپوزیسیون - چنین است مظاهری چند از این جنبه ضد دموکراتیک؛ اما شیوه های اساسی کار رژیم که از همین دو خصیصه ناشی شده است و کماکان بلافیتر مانده عبارت است از تکیه به ترور و تکیه بامپریالیسم ویژه امپریالیستهای امریکا و انگلیس. شاید گفته شود که این ارزیابی از رژیم موجود

که روزی خود را کمونیست و انقلابی میدانست در اثر انشعاب و جدا شدن از حزب و نهضت چندان دزسراشیب انحراف نازل کرد تا سرانجام از حوض تسلیم طلبی و اپورتونیسم و روپوزیونیسم راست سر درآورد.

### تکیه گاه جهانی ملکی - سوسیالیسم

#### راست دست نشاندن امپریالیسم

ملکی پس از انشعاب از حزب توده ایران با ماسک سوسیالیستی بسازمان سازی پرداخت. در جریان مدافعات خود برای اینکه دادرسان چکمه پوش شاه اشتباه نکنند و دوست را بجای دشمن نگیرند او مجبور شد نوع سوسیالیسم خود را تشریح کند و شواهدی برای نشان دادن ماهیت سوسیالیسم خود ذکر نماید. او در مدافعات خود میگوید: «من در تهران تشنه بودم و از باصلاحترین مقام سوسیالیستی که در جهان امروز وجود دارد یعنی از طرف بین الملل سوسیالیستها که دفتر آن در لندن است و آقای آلبرت کارتی، دبیر کل آن است دعوت شدم که در کنگره بین الملل سوسیالیست در رم شرکت کنم در آژمان طبعاً حزب سوسیال دموکرات با رهبری آقای مسارا گات، وزیر خارجه وقت که حالا رئیس جمهور ایتالیا است حزب مهماندار بوده و اضافه میکند «اخیراً آقای آلبرت کارتی، دبیر کل بین الملل سوسیالیستها که شخصاً انگلیسی است و دبیرخانه بین الملل را بامبارت و لیاقت اداره میکند در ایران مهمان من بود و از جنبه سوسیالیستهای ایران دعوت کرد که حتی در کنگره ای که سال دیگر در یکی از کشورهای اسکاندیناوی راجع بسوسیالیسم آسیائی تشکیل میشود شرکت کنم و اظهار تمایل کرد که سوسیالیستهای ایرانی در سازمان دادن بین الملل سوسیالیستهای آسیائی سهم بسزائی داشته باشند».

برای کسانیکه لیبر های سوسیالیستهای راست اروپا را میشناسند و بهاهت آنها وقوف دارند. این معرفی کاملاً کافی است ولی برای اینکه هیچگونه جای ابهامی باقی نماند ملکی توضیح میدهد:

«باید توجه داشت که بین الملل سوسیالیستها یک بین المللی است که با کمونیستها میالته خوبی ندارد. هر آن مورد سازمان بین المللی گروههای هستند که علاوه بر اینکه یک سازمان سیاسی مهم هستند یک سازمان اطلاعاتی وسیعی در اروپای شرقی و در تمام جهان دارند. بعنوان مثال سوسیالیستهای اروپای شرقی را نام ببریم باین مناسبت نفوذ جمعیتها یا افراد کمونیست یا غیرسوسیالیست در این بین الملل از محالات است».

ملکی نشان داده است که یکی از خصوصیات این بین الملل سوسیالیستی جنبه ضد کمونیستی آن است و علاوه بر اروپای شرقی و در تمام جهان بر علیه کمونیستها بفعالیت جاسوسی اشتغال دارند. خلیل ملکی خواسته است با این شواهد نشان بدهد که او آنچنان سوسیالیستی است که میکوشد مشارکسیم را بی اعتبار قلمداد کند آنرا از محتوی انقلابی تهی سازد؛ ایمان طبقه کارگر و توده های زحمتکش را نسبت بسوسیالیسم متزلزل کند. ضرورت تاریخی انقلاب پرولتری را نفی کند؛ نقش رهبری حزب طبقه کارگر و اصول انترناسیونالیسم پرولتری را انکار نماید همانطوریکه لیبرهای سوسیالیستهای راست مانند گیموله، ساراگات و آلبرت کارتی و سایرین کرده اند. بهمین مناسبت خلیل ملکی ضمن مدافعات خود میگوید:

«صحیح است که حزب مکتب سوسیالیستی ما از مارکسیسم بحث میکند اما این بحث هرگز خشک و تقلید کور کورانه نبوده و نیست. ما در نشریات خود انتقاداتی از مارکس بعمل آوردیم یعنی بحثهایی از پیش بینی های او را که عملی نشده است برپایه کردیم. خلیل ملکی برای اینکه خدمت عمده خود را بدستگاه حاکمه توضیح دهد میگوید: «در انگلستان وجود مکتب حزب کارگر موجب شده است که کمونیسم نتواند نفوذ وسیعی ایجاد کند. مفهوم این گفتار آن است که سوسیالیسم خلیل ملکی نیز از قبیل سوسیالیسم حزب «لیبریت»

در کشور ارزیابی حزب توده ایران است و ماهیت رژیم که خلیل ملکی با آن هیچگونه مخالفت اصولی ندارد با تعریف حزب توده ایران مطابقت ندارد. به بینیم آیت اله خمینی که از مراجع بزرگ تقلید شیعیان است از رژیم موجود چه ارزیابی میکند وی ضمن اعلامیه مشهور خود چنین گفته است:

«ای ملت ایران میدانند که در این روزها در مجلس چه گذشت؟ میدانند مجلس به پیشهاد دولت سند بردگی ملت ایران را امضاء کرد، اقرار به مستعمره بودن ایران نمود، سند وحشی بودن ملت مسلمان را بامریکا داد، قلم سیاه کشید بر جمع مفاخر ملی و اسلامی ما، قلم سوخ کشید بر تمام لاف و کزافهای چندین ساله، سران سرخ ایران را از عقب مانده ترین ممالک دنیا پست تر کرد، امانت به ارتش محترم و صاحبمنصبان و درجه داران نمود، حیثیت دادگشاهی ایران را پایمال کرد، به ننگین تربیت تصویبنامه دولت سابق با اطلاع دولت حاضر بدون اطلاع ملت با چند ساعت صحبتهای سری رأی مثبت داد، ملت ایران را در تحت اسارت امریکائها قرار داد. و علما و روحانیون که میگویند باید قدرت سرتیرو در مقدرات کشور دخالت نکنند، باید و کلای پارلمان مبعوث از ملت باشند، باید دولتها ملی باشند، باید اختیاتی از مطبوعات برداشته شود و سازمانها نظارت بر آنها نکنند و آزادی را از ملت مسلمان سلب نمایند. برای آن است که این فنگرها بر ملت تحمیل نکنند و ما را مواجه با این مصیبتها نکنند... دنیا بدانند هرگز نتواند که ملت ایران و ملل مسلمان دارند از اجانب است از امریکا است، بدبختی دول اسلامی دخالت اجانب در مقدرات آنها است، اجانب اند که مغرور بوقامت زیر زمینی ما را بنام برده و میبرند. این ارزیابی از رژیم موجود با فرمولبندی های دیگر همان ارزیابی حزب توده ایران است. آیت اله خمینی در این جمله ها هم ماهیت ضد ملی و هم ماهیت ضد دموکراتیک رژیم شاه را افشا کرده است. کلیه نیروهای ملی و دموکراتیک و میهن پرست ایران هریک با عبارات خود همین ارزیابیها را تکرار میکنند. خلیل ملکی با رژیمی موافقت دارد که هم ضد ملی و هم ضد دموکراتیک است. با این وجود ادعا میکند که برای مقابله با حزب توده ایران مکتبی نو، منطقی و مترقی بچونان کشور عرضه داشته است.

مکتب خلیل ملکی نه سوسیالیستی است و نه دموکراتیک. چگونه میتوان کسی که فقط با اجازه یک دستگاه جبار و مستبد و در چارچوب امکاناتی که این دستگاه در اختیارش میگذارد حاضر است نشریات منتشر کند و میتینگ بدهد دموکرات و حتی سوسیالیست. نامید؟ چگونه میتوان کسی را که حتی برای قوانین موجود و در حدودی که این قوانین آزادیهائی برای مردم پیش بینی کرده است مبارزه نمیکند دموکرات و حتی سوسیالیست نامید؟ واقعیت امر این است که ملکی از جنبش توده های زحمتکش میترسد، بر ضد توده مردم از رژیم پوسیده سلطنتی دفاع میکند و سر در آستان محمد رضا شاه بزمین میساید. بزرگترین آرزوی ملکی این است که مورد لطف شاهانه باشد و در ردیف اقبال و علم و هویدا مقامی را اشغال کند. بعقیده ملکی مرتجع کسی است که با این هدف او مخالفت ورزد. مسلم است که تازه بدونان رسیده ای مانند ملکی که بخواهد با خوش بختی و جلوه فروشی پادشاه خود را بگیرد و بدین منظور چاکران شاه را که سالهائی متفادنی در اجرای بی چون و چرای اوامرش ابراز اخلاص و ارادت کرده اند مرتجع بخواند نمیتواند از طرف آنها مورد گروشمائی قرار نگیرد. علت آنکه خلیل ملکی علیرغم آنکه کمونیسم عنان گسسته، علیرغم تملق از شاه مستبد، در زندان است همین عکس العمل چاکران کهنه کار رژیم در مقابل این نورسیده پرمردعا است.

پرواضح است که فعالیت و مکتب خلیل ملکی نیز مورد قدردانی و تأیید شاه است، خلیل ملکی این موضوع را بیکرات در ضمن دفاعیات خود بیان داشته از جمله چنین گفته است: «درست مقارن تشکیل جامعه سوسیالیستهای نهضت ملی ایران جناب آقای علم که همواره نسبت باینجناب لطف داشته و همواره مرا بهمکاری سیاسی دعوت کرده اند، اما بمناسبت مشکلاتی که رفع نشده اینجناب از همکاری سیاسی خود داری کرده ام. باینجناب توصیه کردند که برای مصلحت جامعه و افکار سیاسی و اجتماعی تقاضای شرفیابی کنم. اینجناب پیشهاد کردم که در اول کار ایشان بقیه در صفحه ۳

### خلیل ملکی در موضع اپوزیسیون و تسلیم طلبی

مردمانه جمعیت را بعرض برسانند در صورتیکه مورد قبول اعلیحضرت بود من شرفیاب شوم. ایشان مردمانه را برنند و بعرض برسانند پس از آن اینجانب در مدت دو ساعت ونیم شرفیابی مطالبی بعرض برساندم و فرمایشات ماو کانه را اصغاه کردم. اعلیحضرت از راه و رسم اصولی جمعیت ما در گذشته و حال قدردانی و مرا تشویق فرمودند و از مبارزات میهن پرستانه مؤثر ما در گذشته و حال ابراز خوشوقتی فرمودند. . . .

چنین است مکتب ملکی که برنامه کار او قیلا بعرض مسالو کانه میرسد و مورد تصویب قرار میگردد و فعالیت حزبی که براساس این مکتب تشکیل یافته است مورد قدردانی شاه واقع میگردد!

یکی دیگر از خصائص مکتب خلیل ملکی این است که نه تنها فعالیت او در حدود امکاناتی است که شاه و دستگاههای انتظامی او تعیین میکنند بلکه در این فعالیت از راهمائیها و همچنین از مدح و تمجید پالیس برخوردار است. باین گفته های خلیل ملکی توجه کنید:

چند ماه پیش از ۲۸ خرداد سال ۳۲ در یک جلسه پذیرائی که در حزب زحمتکشان ملت ایران نیروی سوم . . . ترتیب داده شده بود آخرین رئیس شهربانی دوران حکومت مصدق که متأسفانه اسم ایشان را فراموش کرده ام بود. سرتیپ مدبر هم در این جلسه دعوت داشتند رئیس شهربانی وقت با اینجانب گفت سندی و گزارشی است که فقط مربوط بمقامات است. این سند توسط عواملی که ارتش و دستگاههای مربوط بان در حزب توده دارند تهیه شده است. این گزارش و سند الان در جیب من است. ما معمولاً این اسناد را غیر از مقامات بکسی نشان نمیدهیم اما مصلحت کشور و مصلحت شما که در اغلب موارد یکی است ایجاب میکند که شما این سند را بخوانید. . . .

این یکی از نمونه های همکاری پالیس باخلیل ملکی است. نمونه دیگر را خلیل ملکی چنین توضیح میدهد:

«او (یعنی سرتیپ مزینی) که مدتی رئیس شهربانی بود مرا خوب میشناخت و از مبارزات مؤثر حزب ما با حزب توده استالینی خوب آگاه بود و بارها قدردانی کرده بود حتی نامه قدردانی به نخست وزیر نوشته بود که بر حسب اتفاق سر رسیدم واری من خواندم. . . .»

آیا میتوان تردیدی داشت کسیکه اینقدر مورد اعتماد شهربانی و مورد تمجید شاه و نیروهای انتظامی او است برای تثبیت هیئت حاکمه و رژیم کار میکند نه برای خلق ستمکش ایران؟

### تفرقه اندازی در جبهه خلق

مارکسیسم - لنینیسم بما میآموزد که تجمع کلیه نیروهای دموکراتیک و ضد استعمار، نیروهایی که در تحولات اساسی زیربنای در یک جبهه متحد ملی ضرورت دارد و تنها بشرط وحدت همه نیروها تحولات ضروری انقلابی آنها پذیر است. این نیروها در ایران بطوری که بارها از طرف حزب ما اعلام شده است عبارتند از کارگران، دهقانان، روشنفکران، پیشه وران و بورژوازی ملی.

عده ای از رهبران حزب توده ایران از همان بدو تأسیس حزب ولو بطور مبهم مسئله تشکیل جبهه واحد ضد استعمار را مورد توجه قرار دادند. خلیل ملکی ضمن آنکه بشکل تعریف شده ای این موضوع را تأیید میکند نقش خرابکارانه خود را در مقابل نظریات صحیحی که آنزمان مطرح میشد افشا میکند. وی میگوید:

«آنها (یعنی رهبران سرشناس حزب توده ایران) طبق توصیه شوروی همواره نزدیک شدن بعناصر ملی را توصیه میکردند. عناصر ملی در آنزمان از طرف جناح اصلاح طلب (یعنی خلیل ملکی) مسخره میشد. با این وصف خلیل ملکی پس از انشباع از حزب توده ایران، بنا بداعای خود، هنگامیکه نهضت ملی کردن صنعت نفت در ایران اوج گرفت وارد نهضت ملی شد. او علت ورود در جبهه ملی را ضمن مذاکرات خود چنین توضیح میدهد:

«روزی در یکی از روزنامه های توده ای خواندم که از روی ناچاری اذعان بموجودیت جبهه ملی کرده و قدرت اجتماعی و اخلاقی آنرا میان مردم تصدیق کردند بود. ادعا شده بود که جبهه ملی چاره ای جز پذیرفتن رهبری حزب توده ندارد. در این اظهار نظر

حقایقی نهفته بود. اینجانب پس از خواندن این مقاله چنین تصور کردم وظیفه اجتماعی من این است که در این موقع که هم قانون، هم امکانات و از همه بالاتر وظیفه اجتماعی حکم میکند که من بجهه ملی رفتم و کوشش بعمل آورم که برنامه ای بجهه ملی بدهم تا عناصر ملی بتوانند خود بطور مستقل آن را اداره کنند و نیازی بکسانی نباشد. . . .

از اینقرار خلیل ملکی بجهه ملی رفت تا آنرا رهبری کند. بنا بر این بنا بداعای خلیل ملکی و نقش عناصر ملی و ضد استعمار در درجه اول نقش آقای دکتر مصدق این بوده است که تحت رهبری خلیل ملکی و طبق برنامه ای که او تنظیم میکند عمل نمایند. ولی واقع خلیل ملکی برای آن به فعالیت در جبهه ملی پرداخت که از تشکل کلیه نیروهای ضد امپریالیستی در جبهه واحد جلوگیری کند و تا ملتواند راه نزدیکی نیروهای ملی بجزب توده ایران را سد نماید. باین مناسبت نیز او بدکتر بقائی که شمشیب با حزب توده ایران روشن بود نزدیک شد. ملکی ضمن مذاکرات خود میگوید:

نظر اینجانب این بود که نهضت ملی ایران نباید شکست بردارد. همکاری دکتر مصدق و شاه باید ادامه داشته باشد. من در اینباره بارها با دکتر مصدق صحبت کردم و توصیه کردم و بخصوص زمانی که دکتر مصدق پس از جدا شدن بقائی و بعضی از حوادث انتماد زیادی بمن پیدا کرده بود باو توصیه میکردم که روابط خود را با دربار بهتر کند. . . .

همه میدانند که آقای دکتر مصدق مخالف سلطنت مشروطه نبوده است و همیشه روی این نکته تکیه کرده است که شاه باید سلطنت کند نه حکومت. موجب بروز اختلاف بین دربار و آقای دکتر مصدق همین بود که شاه میخواست برخلاف اصول صریح قانون اساسی حکومت کند و مصدق را بسازش با امپریالیستها وادار نماید. همه کس توطئه های مکرر از آنجمله توطئه تیز و اسفند را که مستقیماً برعلیه دولت آقای دکتر مصدق بود بیاد دارند. منشأ این توطئه ها دربار بود. توصیه های خلیل ملکی باقی دکتر مصدق فقط این محتوی را میتوانست داشته باشد که او از مواضع اصولی خود عدول کند و تن بسازش با امپریالیسم بدهد.

خلیل ملکی در آنزمان بجای آنکه از مداخله دربار در کار دولت انتقاد کند در سیاست دکتر مصدق در جهتی که امپریالیسم و ارتجاع میخواستند انتقاد میکرد. او ضمن مذاکرات باین نکته وارد کرد:

«اینجانب در ۷ ماه پیش از ۲۸ مرداد مقاله ای تحت عنوان سرنوشت تاریخی (امپریالیسم) در مجله علم و زندگی درج کردم و در آن مقاله سیاست داخلی آقای دکتر مصدق را که انضباط مملکتی را حفظ نمیکند و اجازه داده شده که عناصر مشکوک هرگونه هرج و مرج را ایجاد کنند انتقاد کردم و در مقاله اول شماره هفتم دوره اول علم و زندگی نوشتم طولی نمیکند که بنام مبارزه با حزب توده و جلوگیری از کمونیسم حکومت شیبه فاشیست نفوذاتی بما تحمیل میشود و نهضت ملی ولو موقت ستوقف میشود. . . .»

چنانکه می بینیم ملکی آن مضمهر آزادی را که در زمان حکومت آقای مصدق وجود داشت هرج و مرج مینماید و مبارزه با حزب توده ایران در درجه اول اهمیت قرار میداد او همه را دعوت بهمکاری بر علیه حزب توده ایران میکرد.

چنانکه خلیل ملکی ضمن مذاکرات خود توضیح داده است درجه بندی که او بنام حزب زحمتکشان ملت ایران (نیروی سوم) تشکیل داده بود. عده ای بودند که معتقد بودند که عملا دولت نهضت ملی در مقابل امریکا و انگلیس و شاه و دربار قرار گیرد و عملاً به دولت شوروی نیز نزدیک گردد. خلیل ملکی میگوید: «این هیئت بالاخره صراحت را بجائی رساند که در جلسه اجرائیه گفت من میگویم هر کاری میکنید حزب توده را از پشت سر نهضت ملی برنندارید با صراحت و عصبانیت باو جواب داده شد که هرگز ما نمیخواهیم حزب بیگانه پرست توده مطابق نقشه انگلیس در پشت سر دولت بما تحمیل از پشت سر باو خنجر بزنند. . . .»

البته لازم نیست راجع باتهامات بیگانه پرستی و غیره که از زبان خلیل ملکی مانند همه مرتجعین درباره حزب توده ایران گفته شده است پاسخ داد.

آنچه در این گفتار مهم است اینست که خلیل ملکی با تمام قوا میکوشید دولت آقای دکتر مصدق را از پشتیبانی جبهه واحدی که در آن حزب توده ایران میتوانست نقش عمده ای داشته باشد محروم سازد. ولی در عین حال در مقابل کسانی که میگفتند که در صورتیکه ملکی بخاطر مجبور است که تغییر رژیم دهد و شاه را محاکمه و مجازات نماید. خلیل ملکی معتقد بود که: «باجلب نظر امریکا از لحاظ سیاست خارجی باید بر مشکلات غلبه شود و احتیاجی به تغییر رژیم پیدا نشود، یعنی در آن روزهاییکه خیانت شاه بر همه روشن شده بود و حتی عده ای از نزدیکان خلیل ملکی خواهان محاکمه و مجازات شاه بودند خلیل ملکی از شاه دفاع میکرد و طرفدار سازش با امپریالیست های امریکا بود.

چنین است آن وظیفه ملی که خلیل ملکی برای خود در جبهه ملی قائل شده است.

### یک مغالطه دیگر

چنانکه معلوم است در سازمانهای مختلفی که بدست ملکی ساخته و پرداخته شده است اکثریت مطلق افراد کسانی بوده و هستند که خلیل ملکی و همفکران نزدیک او را از نزدیک نمیشناختند و چه بسا احساسات میهن پرستانه و ترغیب و تهاوانه آنها موجب میشد که در این سازمانها شرکت کنند. خلیل ملکی برای جلب جوانان روشنفکر و بی تجربه از طرفی به جمله پردازیهایی ظاهراً سوسیالیستی میپرداخت و از طرف دیگر با ایراد اتهامات ناروا به حزب توده ایران میکوشید آنها را از گرویدن به این حزب باز دارد. طبیعی است که عده ای بتدریج به ماهیت مکتب ادعائی او پی میبردند و نظریات درستی در مقابل نظریات ارتجاعی و غلط او ابراز میداشتند. بطور کلی وجود جناحهای مختلف در احزاب سوسیالیستی از اینجا ناشی میشود که نظریات رهبران ارتجاع این احزاب با نظریات اکثریت اعضا وفق نمیدهد. سازمانهای مخلوق ملکی نیز از این قاعده مستثنی نمیتوانست باشد. بهمین سبب دیده میشود که جامعه سوسیالیستی اروپا شعاری غیر از شعارهای ملکی میدهد و سیاستی که در بعضی از موارد با سیاست پیشتهای ملکی مغایرت دارد بهمیان میکشد ملکی ضمن مذاکرات خود باین نکته اشاره کرده میگوید:

«بطور کلی گروه سوسیالیستهای اروپا جمعیتی متحد الشکل نیست و همچنین میگویند جامعه اروپا بارها استقلال خود را از ما اعلام کرده و گاهی این استقلال نسبت بمامور بود که موجب انتراش اینجانب شده اعتراض نه از لحاظ اینکه حزب استقلال خود را اعلام کرده اند بلکه جزا از این شکل که چرا شکل مومن اعلام کرده اند. . . .»

در صورتیکه فرصتی داده شود اسنادی که استقلال و جدا بودن و حتی در مواردی متناقض بودن کامل قضایای این دو جامعه را در مسائل سیاست خارجی بخصوص داخلی نشان میدهد بدادگاه ارائه خواهیم داد. . . .»

با وجود این اعتراف خلیل ملکی ابائی از آن ندارد که جناح مخالف خود را بتوده ای بودن متهم کند. او ضمن مذاکرات خود چنین ادعا کرده است:

حزب توده ایران گروهی از اعضا خود را مأمور کرده است تا در (محیط و دور و بی نیروی سوم بمانند) تا بطور مصنوعی در نیروی سوم دو جناح بوجود آید که یکی هوادار دربار و همکار دربار و در حقیقت نوکر و جیره خوار دربار معرفی شود که ملکی در رأس آن قرار داده شود و جناح دیگر افراد با ایمان نیروی سوم نسبت به نهضت ملی و حتی الامکان با افکار انقلابی و تندرو، در مواقع مناسب باید جناح دوم بر ضد ملکی و دوستانش قیام کند و نیروی سوم را از داخل منجر نماید.

باید از خلیل ملکی سؤال کرد که آیا او ضمن همین مذاکرات مکرر وفاداری خود را بشاه ایران ندانسته است؟ مگر اسناد متفق در این باره بدادگاه ارائه نداده، مگر تلاشهایی را برای نزدیکی بشاه چه قبل از ۲۸ مرداد و چه بعد از آن شرح نداده، مگر هدفش این نیست که مورد لطف شاهانه باشد؟ پس چگونه کاسلترا که او را عامل و جیره خوار دربار میدانند مأمورین حزب توده ایران برای متلاشی کردن نیروی سوم قلمداد میکنند. در واقع او از این اظهار نظری جز مرعوب ساختن جناح مخالف خود ندارد آنچه بیش از همه مورد حمله ارتجاع و از آن جمله خلیل ملکی است وفاداری حزب ما به انترناسیونالیسم

ژادیویک ایران همه روزه در ساعت ۶ و ۸ بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ۲۵ - ۲۶ متر برنامه پخش میکند. ژادیویک ایران زبان گویای همه میهن پرستان و آزادیخواهان ایرانی است. ژادیویک ایران را بشنوید و شنیدن آنرا بدیگران توصیه کنید.

# يك خط مشی سكتاریستی و ماجراجویانه

## در باره جزوه منتشره جدید گروه انشعابی

### در باره راه تکامل انقلاب ایران

### مقدمه

بنظر ما چندان عجیب نیست . و نیز عجیب ندارد اگر این گروه به محفل خود عنوان « کفرانس » اطلاق کنند . آنچه بنظر ما عجیب می آید اینست که گروه مزبور با تمام مشخصات کیفی و کمی خود ضمن جزوه « مصوبات » علاوه بر همه اینها مدعی تعیین خط مشی سراسر جنبش انقلابی کارگری کشور ما شده است . این گروه بطوریکه خواهیم دید بنای کار خود را بر پایه یک خط مشی کاملاً سکتاریستی « چپ روانه و ماجراجویانه » بر پایه تقلید مکانیکی از زهربران چینی « مخالفت شدید با حزب توده ایران و حزب کمونیست اتحاد شوروی و دیگر احزاب مارکسیست - لنینیست و دعوی انحصاری مبارزه بخاطر « حقایق انقلابی » قرار داده است .

این گروه مدعی « استقلال اندیشه و عمل » است ولی وقتی ما جزوه آنها را میخوانیم سربایان آنها از اندیشه های رهبران چین دایره به دایره نازانند انقلاب « مطلق کردن راه مبارزه مسلحانه پارتنرانی » ساده کردن پدیده های پیچیده اجتماعی و صادر کردن احکام جزئی بدون توجه به تنوع و غنای پدیده ها ، مملومی بنیتم . خلاصه کلام آنکه برغم دعوی آنها در مورد اندیشیدن با مغز خود اهم مسائلی که آنها بعنوان احکام و استنتاجات مستقل خود مطرح ساخته اند جز نوشتن احکام و استنتاجات تئوریک های خاور دور و جز حاصل کار تئوریک آنان نیست . در سراسر جزوه تنها یک شکل مبارزه یعنی جنگ انقلابی و جزو پارتنرانی و تنها یک شکل سازمان یعنی واحد های مسلح و تهللیک شعار سیاسی یعنی استقرار جمهوری توده ای بسرکردگی طبقه کارگر بعنوان مبرمترین هدف طرح شده است .

این گروه در اهم مسائل سیاسی راه لاهانی را پیشنهاد میکنند که خلاف شرایط و مقتضیات مبارزه واقع بینانه است و با « انقلابیگری خرده بورژوازی » پیوند بسیار نزدیک دارد . این که همیشه با این « انقلابیگری » بشدت تیز میگرد در کتاب « بیماری کودکی » چنانکه میدانیم در توصیف آن چنین نوشته است : « باشویسم در جریان مبارزه طولانی با انقلابیگری خرده بورژوازی رشد یافته « قوام گرفته و

آبادی شده است . این انقلابیگری به آنراشویسم شباهت دارد و ... در تمام مسائل اساسی خلاف شرایط و مقتضیات مبارزه پیگیری طبقاتی پرولتری عمل میکنند ، بررسی محتوی جزوه « مصوبات » بار دیگر

بروشی مبرهن میسازد که گسست سازمانی و انشعاب چند تن از اعضا سابق حزب ما مربوط با اختلاف عمیق و جدی آنان با مبانی ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی حزب ما ، انحراف آنان از مواضع مارکسیسم - لنینیستی حلق و پیروی از مشی ماجراجویی و تفرقه افکنی است و استنادات آنان بهی العقل « اقدامات ضد دموکراتیک در پلنوم یازدهم » و ایراد های بجا یا نابجای آنان بر شهری و غیره جز پاره های هائی برای توجیه اقدامات ضد حزبی بمنظور تفرقه جویی و برهم زدن سازمان حزب ما نیست .

ما برآنیم که مبارزه صریح و مشخص « مستقیم و آشکار با دو خط مشی اپورتونیستی و آوانتوریستی بهترین شیوه تنقیح مشی حزب و پرورش افراد حزب با روح درک عمیق مسائل وسیعج آنان با استدلالات درست در قبال سسطه های اپورتونیستی و آوانتوریستی است . ما بر آنیم که مبارزه ما با کلیه گروههایی که از « ترقی اجتماعی » سخن میگویند ولی در جاده انحراف از مواضع سلت مارکسیستی کام برمیدارند باید در چارچوب مبارزه اصولی باقی بماند و مبردم ایران برای نیل ببادوری صحیح کمک معنوی بکنند .

بهین دلیل است که ما جزوه « مصوبات » گروه انشعابی را مورد تحلیل قرار میدهم و نظر خود را در قبال مطالب آن بیان میداریم . مقاله حاضر که بعلمت مراعات حجم روزنامه در کادر محدود نوشته شده نخستین واکشش در این زمینه است .

در جزوه « مصوبات » مسئله چنین مطرح شده است : « عدم رضایت توده های مردم و خشم و کینه آنها علیه هیئت حاکمه وقت و در رأس آنها شاه سالیهات که حالتی انفجاری در کشور ما پدید آورده است . » « تضاد های درونی جامعه ما پیوسته شدت بیشتری پیدا میکند و پیش از پیش حالت انفجاری رژیم موجود را تهدید میکند » « بدون هیچگونه تردیدی میتوان گفت که شرایط تینی انقلاب در کشور ما رسیده است . شرایط عینی و ذهنی انقلاب در سطح جهانی نیز از همیشه مساعد تر است . » ( تکیه روی کلمات از ملست - مردم ) .

در این بیانات بصراحت گفته شده است که سالیهات حالت انفجاری در کشور ما وجود دارد و این حالت انفجاری بیش از پیش شدت مییابد و رژیم موجود را تهدید میکند و شرایط عینی انقلاب در کشور ما رسیده است یا به بیان دیگر در ایران وضع انقلابی وجود دارد . بر پایه این زمینه چینی است که گفته میشود : « راه انقلاب ایران راه قهرآمیز است . از جهت سازمان ، مبارزه مسلحانه و جنگ انقلابی را شعار خود قرار میدهند و تمام نیروی خود را برای تحقق آن بکار خواهند انداخت » شعار چنین است : « همه چیز در خدمت مبارزه مسلحانه » و نیز گفته میشود : « از آنجا که نیرو های ضد انقلاب بطور عمده در شهر متمرکز گردیده است باید کار انقلابی قهر آمیز را از روستا آغاز کرد .

در روستاست که نیروی عمده انقلاب یعنی دهقانان را میتوان بسیج کرد . در روستاست که بعلمت برآکنندگی و قات نیرو های ضد انقلاب و وجود شرایط مساعد دیگر آغاز مبارزه مسلحانه و سپس ادامه و توسعه و پیشرفت آن ممکن است . » و نیز : « مبارزه مسلحانه از مناطق روستائی آغاز میشود » « دهقانان نیروی عمده انقلاب را تشکیل میدهند » در روستاهاست که باید هسته های مقاومت مسلحانه پدید آیند ، رشد کنند و توسعه یابند . بطور عمده روستا صحنه مبارزه انقلابی و پایگاه انقلابی است .

چنین است احکام اصلی . خلاصه کلام آنکه در ایران شرایط عینی انقلاب و حالت روزافزون انفجاری وجود دارد . پایگاه عمده انقلاب روستا و نیروی عمده انقلاب دهقان است . باید از آنجا مبارزه را بصورت جنگ انقلابی آغاز کرد . در « مصوبات » راه قهرآمیز بشکل صریح مطلق شده است . در آنجا چنین میخوانیم : « تجارب انقلابی تمام خلقهای جهان و تجربه سالیهای اخیر کشور ما برای هیچکس جای تردید باقی نمیگذارد که انقلاب ایران جز از راه قهر » جز از راه مبارزه مسلحانه بشمر نهرسد . » برای درنوردیدن عولمار رژیم کنونی هیچ راهی جز توسل بقهر وجود ندارد . این

قانون تاریخ جامعه های طبقاتی است . حالت استثنائی اگر چه تاریخ هنوز چنین حالتی بیاد ندارد ، قانون را تعیین نمیکند ، ( تکیه روی کلمات از ماست - مردم ) . این احکام هر عیبی داشته باشد از لحاظ بی برو برگرد بودن خود عیبی ندارد ولی این احکام ناشی از استنباط ساده شده و جزئی پدیده های اجتماعی است و متضمن عناصر ماجراجویی و چپ روی شدید است . اجازه بهفید صحت آنها را بررسی کنیم :

۱ - گفته میشود که در ایران شرایط عینی انقلاب و حالت انفجاری یا در یک کلامه وضع انقلابی وجود دارد . درست است که در ایران شرایط مساعد فعالیت انقلابی بسط مییابد ، مقاومت مردم در برابر رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک و بر رأس آن شاه در کار فزونی است و ناخرسندی شدید ، قشرهای وسیع مردم را علیه رژیم ارتجاعی و دست نشانده کنونی فرا گرفته است . درست است که این ناخرسندی گاه گاه رژیم را دچار بحران میسازد ، ولی وجود ناخرسندی شدید هنوز بمعنای وجود وضع انقلابی نیست و بحرانهای

مارکسیسم - لنینیسم در دوران طولانی وجودیت خود همواره با انواع جریانهای انحرافی ایدئولوژیک ، باصور گوناگون اپورتونیسم راست و چپ ، رویزونیسم و رفرمیسم ، دکماتیسیم و سکتاریسم ، آنارشیسم و آوانتوریسم درمبارزه بوده ، درجریان این مبارزه همیشه راه تکامل پیموده و درپایان هر مرحله ای از نبرد استوارتر و جاندارتر ، غنی تر و برومندتر از سابق شده است . جریانهای انحرافی « اگر چه با انگیزه های مختلف بحرکت درآمده و راههایی بظاهر کاملاً مخالف یکدیگر در پیش گرفته اند ولی همه آنها دانسته یا ندانسته « خواسته یا نخواست » در سمت هدف واحد و مقصد مشترکی عمل کرده اند : تخریب وحدت صفوف جنبش مبارزان راه آزادی ملی و تحکیم مواضع ضد انقلابی دشمنان جنبش . و اما تاریخ نیز همیشه سرنوشت مشترکی نصیب آنان کرده است : شکست نهائی و گریز ناپذیر جریانهای انحرافی و پیروزی نهائی وطن و مدافعان اصیل و صدیق مارکسیسم - لنینیسم خلقی .

جنبش کارگری میهن ما نیز که تاریخ پرچم آنرا بجزوب توده ایران سپرده است ازاین قاعده عمومی مستثنی نبوده ، نیست و نخواهد بود . حزب ما تاکنون با دو جریان انشعابی تفرقه افکن « با دو انحراف افراطی راست و چپ رو بسرو شده است . سر نوشت اسفناک جریان قدیمی رفرمیستی - رویزونیستی خایل ملکی که بنیاد آن برمطلق کردن مبارزه قانونی مسالمت آمیز و توجیه اپورتونیستی رفرمهای سلطنتی استوار است هم اکنون برهمه آشکار شده است : خایل ملکی ( بطوری که شرح آن در همین شماره آمده است ) سر انشعاب ضمن « مدافعات » خود در دادگهی نظامی پایانی رسا مسامحت اپورتونیستی سوسیال رفرمیسم ضد کمونیستی و مبانی ضد انقلابی « سوسیالیسم اغلیحضرتی » خود را فاش ساخت و با اعلام کناره گیری همیشگی ازسیاست در واقع بورشکست سیاسی کامل خود درقبال جنبش آزادیبخش ملی میهن ما اعتراف کرد . بهینسان تکلیف جنبش انقلابی ما یکبار دیگر لااقل درقبال لیبر جریان انحراف راست معلوم شد .

و اما تقریباً همزمان با ورشکستگی عملی جریان انحرافی راست « درست در همان روز هائی که لیبر این جریان ضمن « مدافعات » خویش تصمیم خود را به ترک همیشگی صحنه سیاسی جنبش اعلام میکرد پلافرم انحرافی دیگری دروجود یاکسند انشعابی جدید به صحنه آمد . این سند تحت عنوان « مصوبات دومین کفرانس سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج کشور » انتشار یافته است .

قبل از پرداختن به بررسی اصل مطلب یاد آور میشودم که مین جریان کهنه انشعابی راست و جریان انشعابی نورسیده چپ در نقطه مبدأ حرکت شباهت تام وجود دارد بدینمعنی که هم آن و هم این هر دو فعالیت انحرافی خود را با تهم سخنان حزب ما به « عدم استقلال اندیشه و عمل » ، با ایراد بیبنانه های شدید بر روابط انترناسیونالیستی حزب ما با حزب کمونیست اتحاد شوروی آغاز کرده اند و هر دو باقتاب « ملی » وارد میدان شده اند . زندگی تاکنون عیار این دعوی را لااقل در مورد انشعاب قدیم آشکار ساخته است : خود ملکی در « مدافعات » خویش اعتراف کرد که ادعای « استقلال اندیشه و عمل » او چه عیاری داشته است . این مدعی « استقلال اندیشه و عمل » بطوریکه متن « مدافعات » نشان میدهد ، جز خوشه چین اندیشه و عمل سراسر سوسیال دموکراسی راست اروپا نبوده و در داخل کشور نیز برنامه اندیشه و عمل خود را غالباً با مشورت شاه و سازمان امنیت شاه تنظیم میکرد

اینک جریان انشعابی نو ظهور جزوه « مصوبات » را که در واقع برنامه اندیشه و عمل انشعاب است نشر داده است . اینک عده ای خود سرانه مدعی عنوان « سازمان انقلابی حزب توده ایران » میشوند

گاه گاهی رژیم بمعنای آن نیست که حالت انفجاری پایبندی سالیهات ادامه دارد . آری در ایران شرایط مساعد برای ابتلاء تدریجی نهشت فراهم است ، ولی اینک وضع انقلابی بمعنای واقعی و عامی کلامه در کشور پدید شده باشد لااقل قابل بحث است . وضع انقلابی چیست : بجز علمت عام و اساسی انقلاب اجتماعی ( که عبارتست از تضاد و تضاد نیروهای مولد و مناسبات تولید ) برای انقلاب شرایط مشخص تاریخی ضرور است که وضع انقلابی ، نام دارد و مشخصات آن عبارتست از اولاً بحران سیاست طبقات حاکمه که دیگر نمیتواند تسلط خود را بشوره سابق حفظ کند و بشیوه سابق حکومت کند . ثانیاً حدت نیاز و فقر طبقات ستمدیده و لذا افزایش فعالیت آنها . لنین وضع انقلابی را چنین فرموله میکند : « هنگامیکه « پایینی ها » نظام کهنه را نخواهند و هنگامیکه « بالایی ها » نتوانند بشیوه سابق ادامه دهند » فقط در آن هنگام است که انقلاب میتواند پیروز گردد . این حقیقت را بعبارت دیگر میتوان چنین بیان نمود : انقلاب بدون بحران ملی عمومی ( که هم بهره دهان و هم بهره کشان را در بر گیرد ) غیرممکن است . لذا برای انقلاب باید اولاً کوشید تا اکثریت کارگران ( یا بهرحال اکثریت کارگران آگاه ، متفکر و از لحاظ سیاسی فعال ) کاملاً بشوروت انقلابی پی ببرند و آماده باشند در راه آن جان خود را نثار کنند . ثانیاً طبقات حاکمه آنچنان به بحران دولتی دچار شده باشند که حتی عیب مانده ترین توده ها را نیز بسامت جلب نماید ( علامت هر انقلاب واقعی آنستکه عده نمایندگان قادر بمبارزه سیاسی در بین توده زحمتکش و ستمکش که تا آنزمان در بیحالی بسر میبردند بسرعت ده برابر یا حتی صد برابر شود ) و دولت را ضعیف سازد و سرنوشتی سریع آرا برای انقلابیون ممکن نماید . ( لنین - بیماری کودکی کمونیسم - آثار منتخبه فارسی ، جلد ۴ ، صفحات ۴۹۵ - ۴۹۶ ) .

نویسندگان « مصوبات » خود احساس میکنند که استدلال آنها در مورد وجود وضع انقلابی و حالت انفجاری پایدار که محل توجیه توسل فوری بعمل قهرآمیز و مطلق کردن این راه است درست نیست لذا نمیتوانند « البته در انتظار فراهم آمدن همه شرایط نمیتوان و نباید نشست . آغاز مبارزه مسلحانه بدون شک شرایط لازم فراهم خواهد آورده و حال آنکه مارکسیسم - لنینیسم میآموزد که نباید با قیام بازی کرد نباید باینه بهانه که خود قیام شرایط مساعد ایجاد میکند » در شرایط نامساعد یا در شرایطی که برای قیام و اقدام مسلحانه زمینه کافی فراهم نیست دست بماجرا زد . نباید انقلاب را با اعمال ولولنازیستی بجلو « نازاند » و کار را بماجرا جویی کشاند .

۲ - مطلق کردن راه قهر آمیز مبارزه غلط است . مارکسیسم - لنینیسم میآموزد که دو راه تکامل انقلاب وجود دارد : قهرآمیز و مسالمت آمیز . پرولتاریای انقلابی بعلمت انسان دوستی عمیق خود مسلماً در هر راه مسالمت آمیز را ترجیح میدهد ، ولی این طبقات حاکمه هستند که اعمال قهر را پوی تحمیل میکنند . تاریخ کشور ما و کشور های دیگر نشان داده است که خلقها بارها توانسته اند باین یا آن پیروزی تاکتیکی مهم و حتی به برخی موفقیتهای خطیر در نبرد علیه امپریالیسم و ارتجاع بدون خونریزی دست یابند . تازه چرا تنها شکل اعمال قهر و جنگ انقلابی است . مگر مثلاً قیام مسلح را نمیتوان جزو اشکال اعمال قهر دانست . این دعوی که جنگ انقلابی تنها شکل مبارزه است بنویه خود یک بدعت واقعی در احکام مارکسیستی - لنینیستی در مورد انقلاب اجتماعی است . حزب ما بر آنست که کلیه اشکال مبارزه ، بنا به اقتضای شرایط و درجه اثر بخشی آنها برای وی قابل قبول است . حزب ما اعمال قهر را در هیچ نوع آن رد نمیکند .

بقیه در صفحه ۵

# يك خط مشی سكتاریستی و ماجراجویانه

## در باره جزوه منتشره جدید گروه انشعابی

بقیه از صفحه ۴

بخلاف دعوی گروه انشعابی در جزوه مورد بحث حزب ما در اسناد خود هرگز اعمال قهر و سوسندگی و اثربخشی آنرا در صورت وجود شرایط لازم نمی نکرده است. اعمال قهر را بخاطر «حفظ آرامش» در مرزهای جنوبی اتحاد شوروی رد نکرده است. عامل خارجی را مطلقاً نکرده است و توجه بشرایط نیز بر خلاف آنچه که نویسنده گان «مصوبات» چلوگر میکنند بمعنای «تعلیق بحال» کردن انقلاب قهر آمیز نیست. بلکه بمعنای احتراز ما از ماجراجویی و ولولنازی و سوزگویی است. بدین ترتیب انحراف اساسی تنظیم کنندگان «مصوبات» در آنست که راه اعمال قهر مطلق میشود. جنگ انقلابی تنها شکل آن معرفی میگردد و استقلال میشود که این شیوه باید در همه جا و در همه شرایط برای انتقال از نظام کهن به نوین بکار رود.

۳ - تردید نیست که مارکسیسم - لنینیسم برای دهه‌ها در انقلاب نقش عظیم قائل است. دهگان نزدیکترین و بزرگترین متحد پروتاریا هستند. در این نیز تردید نیست که در کشورهای از نوع میهن ما که در آن هنوز پروتاریای صنعتی کم عده است و دهگان سهم عده نفوسند دهگان سیاه کثیرالعدد انقلاب بدون شرکت مؤثر آنها در انقلاب نمیتواند به پیروزی انقلاب اطمینان یابد. ولی احکامی از قبیل اینکه دهگان نیروی عمده و روستا پایگاه عمده انقلاب است و انقلاب باید از ده آغاز گردد در حکم انطباق مکانیکی تجارب احزاب کمونیست خاور دور بر ایران است. این بهیچوجه مسلم نیست که در شرایط خاص جغرافیایی و اجتماعی ایران فرمول محاصره شهرها بوسیله ده بتواند فرمول مؤثر و نتیجه بخش باشد. و نیز مسلم نیست که تکمیل انقلاب ایران باید بپیمان شکنی انجام گیرد که در خاور دور انجام گرفته است. ما با کشورهای خاور دور از جهت سطح رشد اجتماعی و وجود مشترک داریم. ولی وجود اختلاف ما با این کشورها از جهت جغرافیایی، نفوس، سوابق تاریخی، روحیات ملی، اشکال مختلف گذران و تشکیل اجتماعی و غیره و غیره بسیار است و معلوم نیست که فرمولهایی که در شرایط معینی اثر بخش بود در شرایط ما نیز چنین باشد.

۴ - «مصوبات» برای اثبات صحت و مطلقیت اعمال قهر انقلابی آنهم بشکل جنگ انقلابی نمونه های کوبا، الجزیره و ویتنام ذکر شده است. تاریخ معاصر نشان میدهد که اعمال قهر انقلابی در «جانب» در آن شرایط لازم وجود داشته با موفقیت پیش رفته و بر جایی که در آن شرایط لازم موجود نبوده است با ناکامی روبرو شده است. نویسندگان جزوه «مصوبات» موارد نوع دوم را مسکوت میگذارند و بدینسان پرده ناقصی از تجارب تاریخ معاصر مبارزات خلفای جهان عرضه میدارند.

در پایان این بحث برای آنکه روشن شود که حزب ما در تزهای مصوبه پانزدهم مسئله اعمال قهر انقلابی را در چارچوب صحیح و اصولی آن مطرح کرده است مواد ۲۹، ۳۰ و ۳۱ این ترزا را نقل میکنیم:

« ۲۹ - برای نیل باین خواستها، برای موفقیت در بر انداختن رژیم کودتا و استوارت یک حکومت ملی

و دموکراتیک از کدام راه باید رفت و چه باید کرد؟ این سؤال را خود زندگی با تمام نیرو در مقابل حزب ما در مقابل کلیه نیروهای تحول طلب مطرح میکند. تردیدی نیست که اگر موازین دموکراسی در ایران مراعات میگردد، یعنی آزادی فعالیت احزاب و اتحادیه ها و مطبوعات و انتخابات و تظاهرات و اقامه تأمین میشد و حکومت قانون جای حکومت مستبدانه را میگرفت و دست سازمان امنیت و محاکم نظامی کوتاه میشد، مردم ایران میکوشیدند تا مسائل حاد جمله خویش را از طریق مسالمت آمیز حل کنند. ولی در شرایط کنونی که اثری از کوچکترین آزادی نیست و حکومت دیکتاتوری خون آشامی با شدت فسادتکارانه علیه هر نیروی ایزدیزیز عمل میکند و هر روز بر ضد قشرهای تازه پنازهای از اجتماع دست بافندگانه تفریق میزند و باندک فعالیت علیه مقاصد و شیوه های خود با تمیز و حبس و تبعید و شکنجه و اعدام و کشتار جمعی و اردو کشی پاسخ میگوید. امکان حل مسالمت آمیز مسائل اجتماعی از خود رژیم پلیدت خود از میان برده است. بهمین جهت است که همه سازمان های ملی و دموکراتیک که در زیر فشار رژیم مستبدانه شاه فرصت نفس نداشتند پیش باین نتیجه میرسند که بساط رژیم کودتا را باید از راه قهر آمیز برچید. این امر بیش از پیش به نتیجه گیری مشترک سازمان های ایزدیزیز مبدل میگردد.

۳۰ - با آنکه حزب ما باین نتیجه میرسد که در شرایط کنونی از «بیت» دو راه تکامل، راه تکامل قهر آمیز انقلاب بر چسبگی بیشتری کسب میکند، بر آنست که در آینده بیدارباش امکان دیگر یعنی امکان رشد مسالمت آمیز نیز بکلی منقذ نیست. تجارب تاریخ اخیر کشور ما (مانند آلمان حکومت مصدق و سقوط حکومت قوام) نشان دادند است که در شرایط معین تغییر تناسب قوا امکان تحولات مسالمت آمیز نیز وجود دارد. لذا عمل حزب ما باید بر اساس وجود دو امکان و عمده بودن تکامل قهر آمیز انقلاب در شرایط کنونی مبنی باشد تا دچار یکجانبگی نادرست و بی فورما نشود.

۳۱ - طبیعی است که تشخیص شکل گذار انقلاب بغور کلی بوضعیت خود برای اجراء عملی آن کافی نیست. بررسی دقیق شرایط داخلی و خارجی کشور ما، داشتن تدارک کافی، انتخاب صحیح لفظه انتخاب صحیح شعارهای عمل، یافتن متناسب ترین شکل عمل قهر آمیز، مبتنی نکردن عمل تنها بر نیروی آوانگارد و غیره و غیره از شرایط حتمی بیست اقدام صحیح، بصیرانه و عاری و ماجراجویی است. در غیر اینصورت، عمل ممکن است بجای سود زیان برساند. این وظیفه رهبری است که با درک عمیق مسؤلیت و بنحوی که صلاحیت حزب و نهضت را در آن تشخیص میدهد، تدارک لازم را ببیند و عمل کند.

چنین است تصمیمات پانزدهم. این تصمیمات که با توجه به تمام جوانب مسئله، بر اساس تجارب غنی حزب ما و نهضت های انقلابی جهان گرفته شده است تصمیمات درستی است. در آینده نیز حزب بر اساس این تصمیمات عمل خواهد کرد و نه بر اساس مطلق کردن راه قهر آمیز و یا راه مسالمت آمیز و نادیده گرفتن اشکال دیگر مبارزه انقلابی.

## در باره احیاء حزب طبقه کارگر در ایران

که نام «کفرانس دوم» را بر خود نهاد تصویب شده است. این گروه خود را «سازمان انقلابی حزب توده ایران» در خارج، و نامیده است و آنرا فقط یکی از «حلقات» احیاء حزب انقلابی خوانده است. نقش این گروه در خارج چنین بیان شده است: «برای حصول وحدت اندیشه، در میان سازمانهای پراکنده» تبلیغ در راه تأمین ایدئولوژی واحد و استراتژی واحد و اصول سازمانی واحد، در شرایط کنونی بوسیله سازمان خارج از کشور انجام میگردد. این سازمان بعلاوه شرایط خاص محیط فعالیت و داشتن امکانات لازم میتواند این وظیفه را با اشکالات کمتری انجام

دهد و سازمانهای ایران که بعلاوه شرایط اختناق و ترور از طرفی امکاناتشان برای اینکار بسیار محدود و از طرف دیگر در معرض خطرات سنگین قرار دارند کمک کند. گروه انشعابی در خارج از همه اعضای حزب توده ایران و مارکسیست - لنینیست ها دعوت کرده است که با رهبری حزب توده ایران قطع رابطه کنند. و اما طبقه احیاء حزب در داخل کشور بنا به بیان «مصوبات» بدین نحو است که سازمانهای پراکنده موجود عجاناً خود را بر اساس خط مشی مصوب «کفرانس دوم» در خارج مستقل اداره میکنند و فعالیت آنها «توجه ایجاد هسته های مقاومت در روستاهاست. در اثر این فعالیت واحد های مسلح پدید میگردد و هسته های حزبی در این واحد های مسلح تشکیل میشود. از این واحد های مسلح آنکه از همه بیشتر پایه توده های دارد با مشورت دیگران کنگره حزب را فرا میخواند. آنوقت در نقطه ای که در آن امکان حفظ اعضا، کنگره و رهبران مستحب باشند کنگره تشکیل و رهبری واحد پدید میگردد. نویسندگان «مصوبات» تأیید میکنند که این یک پروسه «کم و بیش طولانی است». نویسندگان «مصوبات» می نویسند که «شکست» حزب توده ایران در احیاء سازمانهای حزبی در ایران «آنها را باین نتایج رسانده است که جز از راه واحد های مسلح و هسته های مسلح، جز از راه ایجاد کنگره در اراضی تحت کنترل پارتیزانها، ایجاد حزب و رهبری واحد میسر نیست.

معنی این احکام آنست که موافق تصمیم مجمع انشعابی عجاناً حزب توده ایران ورهبری آن و نهضت کمونیستی ایران بزرنگی پراکنده و مخفی بازی محکوم میگردد تا زمانیکه «در یکروز نامعلوم» در یکجایی نامعلوم کنگره حزبی تشکیل شود. تا آنروز ارگان متعصب در مجمع گروه انشعابی که کارش «تبلیغ» خط مشی واحد و افلاک گشای در شرایط مساعد خارج از کشور است نقش رهمنای کل دارد و در مسائل سیاسی و تشکیلاتی «استراتژی و تاکتیک ارائه میکند. معنای این احکام منحل کردن حزب موجود طبقه کارگر است. تخریب حزب موجود طبقه کارگر ایران - حزب توده ایران و تقویت واحدها بطبق پیوند با رهبری آن و عمل بشکل پراکنده چگونه میتواند قابل توجه باشد؛ تخریب واحد های پراکنده به عمل مستقل و اتخاذ روشهای ماجراجویانه بجزا می تواند منجر گردد؛ آیا جریان احیاء سازمانهای حزب طبقه کارگر در ایران باید بالافاه حزب موجود و تخریب آن آغاز گردد؟ جریان احیاء حزب طبقه کارگر را نباید به پروسه مبارزات مسلحانه که در صورت صحت خود تنها بخشی از فعالیت کمونیست ها و دیگر عناصر دموکرات و ملی است، مربوط ساخت. راه احیاء

## هدف استراتژیک و مسئله جنبه واحد

اگر در زمینه مطلق کردن راه قهر آمیز و پیوند دادن احیاء حزب طبقه کارگر در ایران با جنگ انقلابی خط مشی حادثه جوینان گروه انشعابی روز میکنند، زمینه طرح هدف جنبش انقلابی و مسئله جنبه واحد سکتاریزم شدید وی ظاهر میگردد. تنها هدفی که جزوه «مصوبات» در برابر جنبش انقلابی میگذارد استوار جمهوری توده ای بسرکردگی طبقه کارگر است و تنها شکلی که برای جنبه واحد ملی و دموکراتیک قائل است ایجاد این جنبه از طریق جنگهای پارتیزانی و بسرکردگی طبقه کارگر است. در مورد هدف جنبش انقلابی چنین میخوانیم: «نیروهای انقلابی بسرکردگی طبقه کارگر پس از سرنگون ساختن حکومت ضد ملی و ضد دموکراتیک کنونی، یک دولت دموکراسی توده ای بجای آن خواهند نشاند. با سرکردگی طبقه کارگر در دولت دموکراسی توده ای رشد و تکامل جامعه ما در دوره راه رشد مناسب سرمایه داری، بلکه در راه راه تجدید هرچه بیشتر این مناسبات برودند و مناسبات تولید و سوسیالیستی پیش خواهد رفت. و ادامه دورد

سازمان حزب طبقه کارگر در ایران همان راهی است که حزب توده ایران طی میکند. آنچه که بعنوان «شکست» تجارب حزب ما در زمینه احیاء سازمان های خود در ایران نامود میگردد بمعنای عدم موفقیت برخی روشهای اجرائی ماست نه بمعنای نادرستی اصول لنینی سازمانی که بمعنای عمل ما بوده و هست. حزب ما مدت هاست که اصل عدم تمرکز سازمانی را (سالها پیش از منحل انشعابی) پذیرفته است. منتها این سازمانهای غیر متمرکز تا زمانیکه نتوانند کنگره سوم حزب را تشکیل دهند دارای مرکز واحدی هستند که خود آن مرکز (کمیته مرکزی حزب توده ایران) پایه انشعابی دارد. راه احیاء حزب طبقه کارگر همان احیاء سازمانی این حزب را در داخل کشور از طریق در آمیختن کار مخفی و علنی و تلفیق انواع اشکال مبارزه بر حسب ضرورت است. حزب ما میکوشد اشتباهاتی را که بدون شك وجود داشته است در پراتیک خود اصلاح کند و سازمانی متناسب با شرایط ترور و اختناق بوجود آورد تا در امر احیاء مجدد سازمان حزبی در ایران بیش از پیش موفق شود. تجارب احزاب دیگری نیز که مانند ما در شرایط نظیر عمل میکنند (یونان، اسپانیا، پرتغال و غیره) جز این نیست. تردیدی نیست که اینکارتست دشوار ولی دشواری کار را نباید با تجدید نظر چپ روانه در اصول لنینی سازمانی و اتخاذ روشهای حادثه جوینان جبران کرد.

مطلق کردن جنگ انقلابی، منحل اعلام داشتن حزب موجود طبقه کارگر، احیاء حزب از طریق واحد های نظامی - روشی است سکتاریستی و حادثه جوینان و دارای ماهیت رژیونیسم چپ. نتیجه این روش شکاف عمیق در نهضت انقلابی و کارگری ایران و بهدر رفتن بیش از پیش نیروی خلاقه و انقلابی مردم است. حزب ما هم با نظریات ایورتونیستی سوسیال رفروریسم تسلیم طلبانه خایل ملکی که اصولاً کار مخفی را رد میکند و تنها مبارزه علنی و قانونی را آنهم در چارچوب موافقت و پشتیبانی شاه مستبد ایران مجاز میسورد و هم بانظریات سکتاریستی و ماجراجویانه سازمان انشعابی که احیاء حزب را تنها از طریق واحد های مسلح پارتیزانی میسر میسورد، مشابه دو مظهر راست روی و چپ روی افراطی مخالف است و طرفدار اصول لنینی بکار برهن کلیه اشکال مبارزه، در آمیختن کار مخفی و علنی، حفظ ادامه کاری سازمان حزبی، اجراء مبارزات درون حزبی در چارچوب موازین و برپایی اصول تأمین وحدت سازمانی و رهبری طبقه کارگر است. احتراز از شیوه های تفرقه جوینان و سازمان شکنانه

آنچه که باید اصلاح شود روش های اجرائی ماست نه اصول راهنما که آزمایش خود را در بوته تاریخ داده است.

## مسئله جنبه واحد

جنبه واحد در جزوه «مصوبات» چنین میخوانیم: «جنبه متحد انقلابی ملی و دموکراتیک مرکز تجمع کلیه نیرو های انقلابی میهن ما یعنی کارگران، دهقانان، خرد بورژوازی، بورژوازی ملی و دموکراتیک و کلیه عناصر ترقیخواه و میهن پرست است. بدون تشکیل این جنبه نه پیروزی در انقلاب ملی و دموکراتیک ممکن است و نه ساختمان جامعه نوینی که پس از پیروزی انقلاب باید بدان پرداخت. سرکردگی جنبه متحد انقلابی ملی و دموکراتیک از آن طبقه کارگر است. تنها این سرکردگی میتواند انقلاب را بپایان رساند، راه رشد سرمایه داری را مسدود سازد و جامعه را بسوی سوسیالیزم ببرد. نخست باید گفت که هم ایجاد جمهوری توده ای بسرکردگی طبقه کارگر بخاطر ساختمان سوسیالیزم و هم ایجاد جنبه های با مشخصات ذکر شده در «مصوبات» در شرایطی که امکان تأمین سرکردگی طبقه کارگر وجود داشته باشد، مخالف تجلیل اصولی ما از سیر آتی

# يك خط مشی سكتاریستی و ماجراجویانه

## در باره جزوه منتشره جدید گروه انشعابی

بقیه از صفحه ۵

جنبش نیست ولی حزب توده ایران در این زمینه تجارب فراوانی گرد آورده است. گروه انشعابی تمام این تجارب را یک قلم بکنار میگذارد و حتی تصمیمات همان پانوم چهارم را که آنرا در «مصوبات» در جهت تکامل حزب میسرود نادیده میگذرد.

در یکی از قطعهنامه های مصوب پانوم چهارم چنین میخوانیم: «مسلم است که همکاری با قشرهای ضدامپریالیستی نمیتواند از همان آغاز بشکل کامل خود

یعنی بصورت جبهه واحد نیروهای ضد امپریالیستی با همزبونی طبقه کارگر دیدید شود. حزب باید از کلیه اشکال بینابینی و از تمام عناصری که ممکن است

بظهور پایدار بسا ناپایدار در مبارزه ضد امپریالیستی شرکت بکنند، استفاده کند و توجه کند که تأمین همزبونی طبقه کارگر تنها با در آمیختن حداکثر

نوش و داشتن سیاست درست و استراتژی و تاکتیک عاری از اپورتونیسم چپ و راست و طی مدت زمان و براساس تجربه خود توده میسر است. (تکیه روی

دلالت از مسامت - مردم). بنظر ما مسئله کاملاً درست مطرح شده و حزب در دوران پس از پانوم براساس همین رهنمود عمل کرده است. طرح شعار

جمهوری توده ای با سرکردگی طبقه کارگر بعنوان تنها شعاری که جای هرگونه شعار استراتژیک و تاکتیکی را میگیرد و طرح مسئله جبهه با قید سرکردگی طبقه

کارگر و گذشتن آنکه این جبهه باید از درون جنگ انقلابی و بر اساس اتحاد دهقان و کارگر بیرون آید،

تکرار آن شعار هائی است که حزب را در سالهای مای گذشت نفت دچار سکتاریسم ساخته بود. خط مشی حزب ما با این خط مشی تفاوت اساسی دارد:

اولاً - ما خواستار استقرار یک حکومت ملی و دموکراتیک هستیم و مسئله سرکردگی و همزبونی در این حکومت را بمقایسه شرط مطرح نمیسازیم و برآنیم

جزوه «مصوبات» سرشار است از تحریف موضع واقعی اتحاد شوروی نسبت با ایران، نسبت به جنبشهای رهاییبخش ملی، گروه انشعابی در این مورد نیز تبلیغات رهبرانی چینی را تکرار میکند و این

واقعیت که این تبلیغات روز بروز بیاعتباری خود را بیشتر نشان میدهد، موجب آن نشده است که انشعابیون جدید آنها را وارد در زرادخانه استدلالات خویش نمایند. در جزوه «مصوبات» چنین آمده

است: «بهبود مناسبات ایران و شوروی و دوستی دولت ایران با دولت شوروی در زمره آن اقداماتی است که از طرف شاه با موافقت امپریالیسم آمریکا بمنظور تثبیت رژیم سراسر خیانت و جنایت کثونی صورت گرفته

است. روابط ایران و شوروی باید در کادر استراتژی عمومی رهبران حزب کمونیست بررسی شود. دوستی با دشمنان خلق و کمک بانها طبیعتاً هیچ وجه

مشترکی با همزیستی بهمفهوم لنینی آن ندارد. رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی جلوگیری از هر گونه تصادم با امپریالیسم و همکاری با این دولت

را در سطح جهان، بالاترین هدف خود قرار دادهاند. آنها معتقدند که با همزیستی مسالمت آمیز، گذار مسالمت آمیز مسابقه مسالمت آمیز جهان را میتوان تغییر داد. این خط

مشی عمومی انقلابی خلفای جهان را بتعویق مینانند و سلطه امپریالیسم و اسارت توده های زحمتکش را پایدار نگاه میدارد. رهبران شوروی مهمترین

راه صلح را جلوگیری از هر گونه تصادم قهر آمیز بین ستمکشان و ستمگزاران میدانند. بنظر آنها باید در سراسر جهان آرامش را حفظ کرد و از ایجاد «کانون

تشجیات نوین» جلو گرفت. . . نمیخواهند بر سر جنگهای رهایی بخش بین شوروی و آمریکا تضاد و تصادم بوجود آید. (تکیه روی کلمات از مسامت - مردم)

باور کردنی نیست که کسانی واقفیت جهان امروز و پشتیبانی بیدریغ اتحاد شوروی از نهضت های

که حصول سرکردگی امری نیست که آنرا بصورت قید و شرط و بشکل ولونتاریستی از پیش معین کرد. حصول سرکردگی از جانب طبقه کارگر - امری که

مطلوب ماست، مربوط بصحت سیاست و مبارزه حزب طبقه کارگر و وجود شرایط مساعد عینی است. از آن گذشته ما شعار های متعددی را مطرح میکنیم مانند:

لزوم بعقب نشینی وادار کردن رژیم، مبارزه برای بسط و تعمیق رفورمها، مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک و عفو عمومی، مبارزات علمی و قانونی سندیکائی و

صنعی، مبارزه در راه بیطرفی و غیره و غیره. سازمان انشعابی با کنار گذاشتن شعار های عمل و شعار های تاکتیکی، بابدل کردن شعار استراتژیک به میرترین

شعار، تنوع و غناء تحلیل را از میان برده است. و در یک موضع سکتاریستی آشکار قرار گرفته است. ثانیاً - ما در مورد جبهه دموکراتیک و ملی،

حالات و اشکال مختلفی را که پانوم چهارم آنرا، اشکال بینابینی، نامیده است میان میکنیم. از وحدت عمل

کلیه نیروهای اپوزیسیون، از وحدت عمل قوای ملی دموکراتیک، از ضرورت ایجاد ستاد مشترک مبارزه علیه رژیم، از ضرورت ایجاد جبهه واحد ملی و دموکراتیک

بمنون قید سرکردگی در آن، از اتحاد توده ای و مصدقی صحبت میکنیم. همه این شعار های متنوع برای آنست که حزب بتواند کار را ولو از جای کوچک

ولو از حد کمتر آغاز کند و از تجارب گذشته خود درس بگیرد. در جزوه «مصوبات» تمام این شعار های ناشی از تجربه حزب میگردد.

البته ما باین روش سکتاریستی و روش حادثه جوانه در مورد مطلق کردن راه قهر آمیز و ایجاد سازمان حزبی در درون جنگ انقلابی، تناسب و توافقی است. ولی این توافق و تناسب هیچیک از

اجزاء آنرا توجیه نمیکند زیرا توافقی است در جهت چپ روانه، در جهت انحراف از مشی صحیح و اصولی و واقع بینانه حزب.

## در باره اتحاد شوروی

انقلابی و اعلام صریح سخنگویان رسمی شوروی داور به هر گونه کمک فنی نظامی بجنگهای رهایی بخش را در برابر چشم داشته باشند و آنکه با این بی پروائی

شوروی را منتهی بمخالفت با «هر گونه تصادم با امپریالیسم» و «هر گونه تصادم قهر آمیز بین ستمکشان و ستمگزاران» و احتراز از ایجاد «کانون تشجیات

نوین» و «حفظ آرامش جهان» آنها بخاطر تثبیت امپریالیسم و ارتجاع میمانند! چه شده است که این افراد آنقدر خود را نیازمند ندیدن واقفیت و دیده

بستن بروی آن می بینند؟ چه شده است که آنها آنقدر در اتهام زدن بحزب کمونیست شوروی و کشور شوروی مراعات هیچ و سواس حقیقت جوینان ای را

ضرور نمیشوند؟ ما در باره روابط ایران و شوروی و دلیل موافقت حزب خودمان در این باره در مجله دنیا طی دو مقاله

مشروح توضیح داده ایم. اتحاد شوروی با شاه ایران دوستی نمیکند بلکه روابط دوستانه خود را با ایران

و مردم ایران است که بسط میدهد. این سیاست او بخشی است از سیاست عمومی او در راه حفظ صلح و مبارزه علیه امپریالیسم، در راه بسط تأثیر اقتصادی

سوسیالیسم در جهان. گسترش روابط ایران و شوروی بدمعنی تشنگر شدن پایگاه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی امپریالیسم در ایران است این سیاست در دوران

لنین نیز که نویسندگان «مصوبات» مفهوم همزیستی وی را با مفهوم همزیستی امروزی متفاوت میبندد، با جدیت دنبال میشد، لذا این سیاست از ظاهر تحریف

سیاست لنینی نیست بلکه یک سیاست لنینی است نویسندگان «مصوبات» در توصیف مشی استراتژیک حزب کمونیست شوروی و دولت شوروی که همان مشی استراتژیک اکثریت احزاب برادر و موافق اعلامیه های ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ این احزاب است

ابداً بمعنای نفی مبارزه رهایی بخش و انقلابی خلقها و طبقات زحمتکش (تا حد مبارزات مسلحانه و جنگهای

انقلابی) نیست و نمیتواند باشد. حفظ صلح و اجراء سیاست همزیستی مسالمت آمیز با پشتیبانی کشور

های سوسیالیستی از جنبشهای انقلابی کوچکترین تناقضی ندارد و در سیاست عملی و مشخص اتحاد شوروی

ترکیب این درجهت (حفظ صلح و پشتیبانی از انقلاب جهانی) بکار میروند و دیده میشود. بخاطر حفظ صلح در

جاده همکاری با امپریالیسم رفتن یا بخاطر تازاندان انقلاب جهانی درجاده آوانتوریزم سیاسی رفتن خطاست.

افراد سطحی بفرجهی پدیدها را در نظر نمیگیرند قطب های متضاد را مطلق میکنند و قدرت تافیق صحیح و دیالکتیکی و انقلابی این قطبها را فاقدند.

اتحاد شوروی آرامش جهان بمعنای اپورتونیستی و ضد انقلابی آن را هدف خود ساخته است. اتحاد شوروی خواستار صلح خنثی و بدون مضمون طبقاتی نیست

رفیق برژنف در نطق خود در کنگره ۲۲ حزب کمونیست شوروی خوب گفت که اندیشه همکاری با شوروی براساس معامله بامناف خلقها (اندیشه ای که امپریالیسم

درس میرواند) اندیشه ای لغو و سیف است. شوروی هرگز در زمینه حفظ صلح بامناف خلقها معامله نمیکند.

بهترین پاسخ به بهتانهای «مصوبات» در راه همکاری شوروی و آمریکا، روش شوروی نسبت به جنبشهای رهایی بخش اظهارات رفیق برژنف و کاسیگین در کنگره ۲۲ و نطق نمایندگان ویتنام شمالی و جنوبی

در این کنگره و نامه رفیق هوشی مین است. رفیق برژنف گفت:

بعلم تجاوز آمریکا در ویتنام و اقدامات تجاوزکارانه دیگر امپریالیسم آمریکا روابط ما با ایالات متحده آمریکا بوحالت گراشده است

و در این امر مخالف حاکمه آمریکا مقصودند. ما با قاطعیت اعلام میداریم متجاوزین با اجراء سیاست صعود تدریجی جنگ (اسکالاسیون) علیه خلق ویتنام و حمایت روز افزون اتحاد

شوروی و دیگر برادران دوستان سوسیالیستی وی از ویتنام روبرو خواهند شد. حزب کمونیست اتحاد شوروی وظیفه بین المللی خود

میشورد که در آینده نیز همه مساعی خویش را برای پشتیبانی از مبارزه خلقها، در راه رهایی

نهائی آنها از ستم استعمار نوین مینماید. حزب ما و دولت شوروی در آینده نیز پشتیبانی همه جنبانه بخلقهایی که در راه رهایی خود

میروند خواهند نمود و در راه تأمین استقلال بلاشرط کشورها و خلقهای مستعمره خواهد کوشید.

اینها الفاظ نیست بلکه واقفیت است. تنها در سال گذشته شوروی به ویتنام شمالی ۵۰۰ میلیون دلار کمک نظامی و اقتصادی کرده است. شوروی هر سال بهمین میزان به کوبای انقلابی کمک میکند

این سیاست اتحاد شوروی احساس سپاسگزاری عمیق مردم قهرمان ویتنام را برانگیخته است. رفیق کاسیگین در نطق خود در کنگره ۲۲

گفت: «اتحاد شوروی مردم آزادی دوست ویتنام را بشکل وسیعی مورد پشتیبانی قرار داده است. ما باین کمک در مقیاس لازم تا آنجا ادامه خواهیم داد تا خلق ویتنام نبرد قهرمانانه خود را علیه مداخله جویان بلژیروزی خاتمه دهد...

ما کمونیستهای شوروی همیشه انترناسیونالیست بوده ایم و خواهیم بود. بهمین جهت ما در حل مسائل داخلی مینتی بر این اصل هستیم که برنامه ها و اعمال ما موافقت های تازه خانواده

سوسیالیستی و طبقه کارگر جهان و جنبش رهایی خلقها را مدد رساند.

بیان کاملاً روشن و پاسخ دندان شکنی است به کسانی که میخواهند شوروی را به پامال کردن منافع خلقها

بخاطر مواضع با امپریالیسم آمریکا، یعنی به گناهی بس شیخ متهم سازند. آری اتحاد شوروی حفظ صلح و همکاری ودوستی با کلیه کشورها را طالب است ولی

نه به بهای معامله یا منافع انقلاب جهان، نه به بهای مواضع با امپریالیسم علیه خلقها. برواقفیت بنگریم:

رفیق هوشی مین در شاد باش خود به کنگره ۲۲ حزب کمونیست شوروی چنین نوشت:

«پشتیبانی صمیمی و کمک ذقیمت اتحاد شوروی، چین و دیگر کشورهای سوسیالیستی برادر و نیز هواخواهی و پشتیبانی طبقه کارگر

و مردم صلح دوست جهان عامل مهم وضامت پیروزی انقلاب ویتنام است. ما با استفاده از فرصت، سپاس صمیمانه خویشرا بحزب دولت، خلق برادر اتحاد شوروی بمناسبت پشتیبانی و کمک مجاهدانه که بخلق ویتنام مینماید داشته و

میدارد، تقدیم میکنیم. ما از صمیم قلب برای خلق کبیر شوروی پیروزیهای هم سترگ تری را در ساختن پایه مادی و فنی کمونیسم

و حفظ صلح جهان خواستاریم. بگذار دوستی بیکار جوینان ما بین احزاب خلقهای دو کشور ما هر روز محکمتر شود. زنده باد خلق کبیر شوروی، زنده باد حزب کمونیست اتحاد شوروی که لنین آنرا بنیاد گذارده، پرورش داده و

آینده ساخته است. رفیق له زوان دبیر اول حزب زحمتکشان ویتنام نماینده دولت جمهوری توده ای ویتنام در کنگره ۲۲ حزب کمونیست شوروی چنین گفت:

«برای ما ویتنامی ها دو وطن وجود دارد اول ویتنام، دوم شوروی یعنی نخستین کشور سوسیالیسم پیروزمند. . . مردم ویتنام عمیقاً باور دارند که

مردم شوروی آنها را در بلا رها نمیکنند زیرا همه ما فرزندان مارکس، لنین هستیم. از روز پیدایش حزب تا امروز، در سالهای جنگ و مقاومت، مردم شوروی بسا کمک میکنند

میتوان گفت در هر پیروزی ما قطره ای از خون ارتش سرخ است. رفیق نگونوف نهی بین عضو کمیته مرکزی

جبهه ملی رهایی بخش ویتنام جنوبی در این کنگره چنین گفت:

«حزب کمونیست شوروی و خلق برادر شوروی با ادراک مسئولیت بزرگ خویش در برابر امر انقلابی کشور خود و جنبش انقلابی سراسر

جهان، موضع در ویتنام و پیروزی در ویتنام جنوبی توجیه استثنائی مینماید. ما با شادمانی تمام حق شناسی خود را به دبیر اول حزب

کمونیست شوروی لئونید ایلیچ برژنف که در گزارش بکنگره همدردی عمیق و روش قاطع حزب و خلق شوروی را در پشتیبانی از نبرد عادلانه خلق ما (که مسلماً به پیروزی خواهد رسید) بیان داشته است ابراز میداریم.

این اسناد فقط بخشی از اظهاراتی است که از طرف رهبران انقلابی بسیاری از کشورها در تأیید نقش عظیم پشتیبانی مؤثر اتحاد شوروی بیان شده است و

فصیح تر از هر گونه دلیل بی پایگی دعوی رهبران حزب کمونیست چین و پیروان ایرانی آنها را که میخواهند حزب کمونیست اتحاد شوروی را به بزرگترین

گناهان متهم سازند روشن میسازد. خود در نهضت بین المللی و تیره سیاست ایجاد شبکه احزاب دست نشانده از ایراد عظیم ترین اتهامات به اتحاد شوروی ابا ندارند، در مقیاس کشور

بقیه در صفحه ۷

## در باره حزب توده ایران

خود در نهضت بین المللی و تیره سیاست ایجاد شبکه احزاب دست نشانده از ایراد عظیم ترین اتهامات به اتحاد شوروی ابا ندارند، در مقیاس کشور

بقیه در صفحه ۷

# يك خط مشی سكتاریستی و ما جراجویانه

## در باره جزوه منتشره جدید گروه انشعابی

بقیه از صفحه ۶

ما سازمان انشعابی نیز برای توجیه انشعاب خود، برای تشویق افراد و واحد های حزبی به قطع پیوند از رهبری موجود بنبوه خود باید این رهبری و حزب توده ایران را بانواع گوناگون منهدم سازد. یکی از اتهامات که صمناً به پیروچه تازه نیست و از امپریالیسم و ارتجاع گرفته تا اپورتونیست هائی از قماش خایل ملکی آنرا بوفور علیه ما بکار میبرند و در کشور های دیگر نیز علیه احزاب برادر بکار میرود مسئله نداشتن استقلال اندیشه و عمل، حزب ماست. این اتهام را خود آن کسانی که اکنون سازمان انشعابی را ایجاد کرده اند بارها با شدت وحدت رد کرده اند و در این زمینه از قول آنها میتوان جملات عیدمائی نقل کرد. از آنجمله احمد قاسمی در شماره اول سال ۱۳۴۳ مجله « دنیا » در مقاله ای تحت عنوان « ملی کیست » مینویسد:

« حزب توده ایران هیچگاه عشق بی پایان و احترام بی خدشه خود را بخانواده احزاب کارگری و کمونیستی و بیش از همه بحزب پر افشار کمونیست اتحاد شوروی نپوشانده است و نمی پوشاند. ولی عظمت معنوی این پیوند در این است که هیچگونه منشاء و مبداء دیگری جز برادری و برابری و صداقت و صراحت ندارد. چگونگی میتوان مارکسیست بود و بحزب لنین حزب مام زحمتکشان جهان حزبی که بارهبری او تزار ایسم سرنگون شد، در جبهه امپریالیسم شکاف افتاد. نخستین دولت سوسیالیستی بوجود آمد. در یک ششم روس زمین سوسیالیسم بنا شد. دوران انقلابات سوسیالیستی و ملی پیش آمد. فاشیزم در هم شکست. حزبی که اکنون ساختمان کمونیزم را در کشور شوروی رهبری میکند و پرچمدار بزرگ صالح جهان است عشق و احترام نداشت. . . . اتهام تصایف کور کورانه از مسکو بحزب توده ایران امروزی نیست. خاص حزب توده ایران هم نیست. آنرا امپریالیستها در مورد یک یک احزاب طبقه کارگر جهان تکرار کرده و میکنند. . . این اتهام فقط بحزب توده ایران بر نمخورد بلکه جنبه دیگرش متوجه حزب کمونیست اتحاد شوروی است. قابل توجیه نیست که کسی خود را سوسیالیست بداند و چنان حزبی را بچنین اتهامی آلوده گرداند. »

این سخنان چیزی نمیتوان افزود. حزب ما دوستی خود را با حزب شوروی یکی از بنیادهای متین انترناسیونالیسم خود میدانند ولی بنای خود را نه بر اطاعت از دیگران، بلکه بر تحویل علمی مسائل و اتخاذ تصمیم مستقلانه و مبتکرانه مبتنی ساخته است. اتهامات بی پایه در مورد فقدان استقلال حزب هر قدر هم که

تکرار شود و از جانب هر کس هم گفته شود ما را از روش درست و متینی که در این زمینه اتخاذ کرده ایم و کاملاً منطبق با منافع حزب، نهضت و خفایای ایران است منحرف نخواهد ساخت.

سازمان انشعابی حزب ما را با پرویز یونس متهم میسازد. متهم میسازد که حزب علاقه خود را به انقلاب از دست داده است و منتظر آنست که « سه مسالمت آمیز » اسرار آمیز در صحنه جهان کار خود را بکنند و دوستی ایران و شوروی نیز جاده پیروزی او را هموار سازد. در مقابل این اتهامات فقط ما میتوانیم بگوییم: ما در همان حال که جدا بصحت اصل لنینی همزستی مسالمت آمیز معتقدیم هرگز بسیر خود بخودی معتقد نیستیم. معتقد نیستیم که تنها باتکا اصولی که آنها بمانند « سه مسالمت آمیز » میانمند و گویا با دوستی ایران و شوروی در ایران جاده انقلاب و پیروزی ما هموار خواهد شد ما معتقدیم که جاده انقلاب را در جهان و ایران مبارزه گاه قهر آمیز و گاه مسالمت آمیز خانها، مبارزه بی امان و سرسخت و بیگیر آنها میتواند بگوید و ما وظیفه خود میدانیم که در این زمینه در ایران سهم در خورد خود را ادا کنیم. تصور مبرود این بیان صریح و رسمی برای کسی که در مورد این اتهامات دچار گمراهی معصومانه باشد کافی است ولی آنهایی که میدانند که چه میکنند و چرا میکنند طبیعتی است در مقابل بنه های روشن تر از آفتاب نیز تسلیم نمیشوند.

در « مصوبات » یک سلسله انتقادات سخت دیگر نیز بحزب و رهبری آن وارد میشود که شدیدتر و صریحتر و کوبنده تر از آنها بارها و بارها در انواع قطعه نامه های حزب ما از پانوم چهارم تا یازدهم آمده است. آری حزب ما دچار مشکلات سازمانی و تقاضی و معایب جدی است. ما قصد نداریم آنرا بپوشانیم، قصد نداریم پندار باطل ایجاد کنیم. اتفاقاً در میان انشعاب یون کونی کسانی هستند که زمانی بمدای در جست از کار حزب دست میزدند و یسا نا کاهیهای ویرا منحصر محصول شرایط و علل عینی میدانستند. با آنکه فعالیت معنوی و سازمانی ما در سالهای اخیر بسط یافته و بدون شک از عوامل مؤثر و مهم اعتلاء مجدد و تدریجی نهضت در کشور ماست ما به پیروچه این فعالیت را کافی نمیدانیم. تأثیر ما در جریبات فعالیت انقلابی، تدارک انقلابی برای تحولات حوادث باید بمراتب و بمراتب بیش از این باشد. افراد گروه انشعابی خود در گذشته از اعصاب حزب توده ایران بوده اند و میدانند که در داخل حزب و رهبری آن جدی ترین انتقادات نسبت بمعایب و تقاضی کم کاریها و نادرستیها وجود دارد.

ولی ما میپرسیم: آیا راه اصلاح حزب توده ایران منتصب کردن آنست؟ آیا راه اصلاح حزب ایجاد سازمانی است با خط مشی دکماتیک، ماجراجویانه

و سکتاریستی؟ آیا راه عبارتت از پناه بردن بروش انشعابی رهبران حزب کمونیست چین و اتخاذ سیاست خشن ضد شوروی؟ آیا راه عبارتت از تخریب سازمان واحد طبقه کارگر؟ فراخواندن افراد به خورد کردن این سازمان از درون و بیرون؟

بنظر ما راه این نیست. اگر شخص دچار اندراقات فکری و ناسیونالیستی نباشد و تحت تأثیر

### نتیجه

بررسی اجمالی جزوه « مصوبات » گروه انشعابی نشان میدهد که میان خط مشی آن گروه و حزب ما اختلاف شدید و جدی اصولی وجود دارد. معلوم است که انشعاب و فعالیت انشعابی بپیونده صورت نگرفته است و بهانه جوئیهای از قبیل « عمل ضد دموکراتیک، رهبری در پانوم یازدهم و غیره چنانکه گفتیم پسرده دودی است و انشعاب دارای ریشه های عمیق فکری و سازمانی چپ روانه است. تردیدی نیست که جروبحث در باره اقدامات تخریبی و انشعابی، در شرایط حمله و حشیانه ارتجاع بحزب ما، یک مشکل اضافی در کار ما ایجاد میکند ولی بهر جهت این جروبحثی است که بما تحمیل شده است و چاره ای جز مقابله شایسته و اصولی با آن نیست. ما از همه رفقای حزبی نیز میطلبیم که در این زمینه روش حزب را دنبال کنند. عمیقاً اصولی، استدلالی و متین بمانند از موضع حزب صحت مبنای آن روشن است بشایستگی و استحکام دفاع کنند. بعواصمه راست و چپ، اپورتونیستی و اپورتونیستی خنرات منطقی وارد سازند. تنها حزب طراز نوین طبقه کارگر در ایران حزب توده ایران است. باید از موجودیت و معنویت این حزب و اصول و سن آن با تمام قوت دفاع کرد. این امر خود بتکامل سازمانی و بهبود فعالیت عملی حزب کمک خواهد کرد.

حزب ما پرچم انقلاب ایران را که بوراوت از سوسیال دموکراسی انقلابی و حزب کمونیست ایران بدست گرفته است از کف رها نخواهد ساخت. گذشته حزب نشان داده است که وی با امپریالیزم و ارتجاع و اپورتونیسم سرساز کاری ندارد. گذشته حزب نشان داده است که وی با رمانهای انقلابی خالق، به آموزش کبیر مارکسیسم - لنینیسم، به اندیشه رهائی مردم ایران از یوغ استعمار نویت و ارتجاع، از یوغ استعمار و نابرابریهای طبقاتی و ملی عمیقاً وفادار است. تمام اهمیت و حیثیت و اصالت حزب ما در وفاداری باین اندیشه ها، حفظ با کیزگی ساخت مارکسیسم - لنینیسم از دستبرد منحرفین مسلکی، در نبرد قاطع در راه این اندیشه هاست. حزب اکنون بعلی که روشن است با انواع مشکلات روبروست. فعالیت انشعابیون مامم از رهبران چین باین مشکلات بازهم افزوده است ولی

سالهای اخیر بشکل بارزی نتایج تأثر آور این تفرقه را در صحنه های گوناگون گیتی به ثبوت رسانده است. باین مناسبت عقیده داریم که مهمترین وظیفه در مقابل همه کوم نیستها احیاء کامل وحدت در جهان سوسیالیسم و در جنبش جهانی کمونیستی و کارگری بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پروتلاری بر پایه خط مشی مدون در جلسات مشاوره احزاب کمونیستی و کارگری در سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ است. اقدامات کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و سایر احزاب کمونیستی و کارگری که در این زمینه صورت گرفته است مورد تأیید کامل ما است.

رفقای عزیز! در خاتمه اجازه دهید یکبار دیگر پیروزیهای بزرگتری را برای شما آرزو کنم. پیروزیهای شما پیروزی همه ما و پیروزی همه بشریت مترقی است. زنده باد حزب کمونیست اتحاد شوروی و بیست و سومین کنگره تاریخی آن! زنده باد دوستی ملل اتحاد شوروی و خلفهای ایران. زنده باد وحدت جنبش جهانی کمونیستی و کارگری!

انگیزه های شخصی، حادته جوئیانه و جاه طلبانه قرار نگرفته باشد راه اصلاح حزب را در مبارزه از روی شکیب، اصولی، بی غرضانه، در چارچوب موازین تشکیلاتی، بر اساس وحدت سازمان خواهد دانست. این درست همان روشهایی است که بارها عده ای از افراد انشعابی مراعات اکید آنرا بدیگران ضمن مقالات توصیه میکرده اند.

حزب از این دشواری نیز باسرمانندی بیرون خواهد آمد و در آینده نیز مانند گذشته با ایمان و شور بر ضد دشمنان خلق، برای متحد کردن نیروهای خلق، برای سوق این نیروها بسوی نبرد های آشتی ناپذیر خواهد رفتند. درصوف حزب ما برای اپورتونیسم و سازشکاری و تسلیم طلبی در مقابل امپریالیسم و رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک و برراس آن شاه مستبد ایران معالی نیست. درصوف حزب ما برای اوآورتونیسم و سکتاریزم و ذهنی گری و پیش کشیدن شعار هائی که واقعیت را در حساب نمیکینند و سیر بفرنج مبارزه را ساده میکنند نیز جانی نیست. حزب تنها در نبرد با این دوخط مشی انحرافی میتواند درجاده درست پیش رود. غلطیها را در راه انحرافی در حکم جدا شدن حزب از مردم و تکامل تلبیخ است. حزب در آینده نیز مانند گذشته به انترناسیونالیسم خود، باصل دوستی با حزب و مردم شوروی وفادار خواهد ماند و انترناسیونالیسم را با حفظ استقلال کامل اندیشه و عمل خود در خواهد آمیخت و در راه وحدت و همبستگی جنبش جهانی کارگری و کمونیستی وحدت کلیه خلفهای ایران، وحدت عمل کلیه نیروهای ضد رژیم و ایجاد جبهه ملی دموکراتیک برای مبارزه در راه صلح، استقلال، دموکراسی، ترقی و رفاه خواهد کوشید.

ما بخوبی میدانیم که رفع تقاضی سازمانی، حل نهائی مشکلات درون حزبی، تبدیل حزب و رهبری آن بیک ارگان مؤثر مبارزه، حاد ترین و دشوار ترین وظیفه ماست. ما خواهیم کوشید که این وظیفه را در کادر اصول و موازین حزبی، در کادر حفظ وحدت حزب، در چارچوب سنن و تجارب مثبت حزب و با مراعات مصالح عملی آن بایسکیری و شکیب حل کنیم. ما همه رفقای حزبی را دعوت میکنیم که محتوی دو انحراف اپورتونیستی و اوآورتونیستی را که در دو انشعاب قدیم و جدید حزب منعکس است مطالعه کنند. محتوی مشی حزب را که در اسناد مختلف کمیته مرکزی ارائه شده است بررسی نمایند و خود را به درک عمیق مسائل ایران و جهان مجهز سازند. اهمیت کادر ایدئولوژیک امروز از همیشه بیشتر است. پیروزی حزب در این زمینه شرط لازم موفقیت وی در مبارزه اجتماعی و سیاسی است.

هموطنان عزیز ا رفقای حزبی! بآدرس زیرین در استکهلم (سوئد) بارادوی پیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مسکاتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادوی و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

**P. B. 4178**  
**Stockholm 4**  
**Sweden**

تصحیح  
در صفحه ۷ شماره ۱۲ ماهنامه مردم بجای يك سلسله از کشورهای سوسیالیسی، یک سلسله از کشورهای امپریالیستی - و در صفحه ۸ بجای حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای زنان، حق انتخاب کردن برای زنان چاپ شده است. بدینوسیله اصلاح میشود.

بقیه از صفحه ۱

### سخنرانی رفیق رادمنش

حکومت ملی و دموکراتیک در ایران بسط و دامنه بیشتری یافته است. قشرهای تازه ای از کارگران، دهقانان، عناصر ملی، دانشجویان در داخل و خارج کشور و بخشی از روحانیون مترقی باین مبارزه میپیوندند و گردانندگان کونی هیئت حاکمه ایران را در برابر وضع دشواری قرار داده اند. امپریالیسم و ارتجاع با استفاده از اختلافی که در سالهای اخیر در صفوف جنبش جهانی کمونیستی و کارگری بروز نموده است در همه جا میکوشد با حیل، قریب، زندان، شکنجه، اعدام، کودتا و با مداخله آشکار در امور کشور های دیگر و تهاجم علمی، سیر تاریخ و پیروسه انقلابی جهانی را متوقف سازد. هجوم مسلحانه امپریالیسم آمریکا به ویتنام نمونه بارز این سیاست امپریالیستی است. حزب ما و همه مردم ایران مبارزه قهرمانانه خلق ویتنام و مقاومت دلآورانه ای را که در برابر هارتترین امپریالیسم جهانی ابراز میدارد با دیده تضمین مینگرند و پیروزی خلق ویت نام را در

این مبارزه، پیروزی خود و کلیه خلفهای جهان در راه استقلال و آزادی و صلح میشمارند.

تحریکات امپریالیستی در منطقه خاورمیانه یکی دیگر از عوامل سیاست امپریالیسم بمنظور بر هم زدن صلح جهانی است. امپریالیستهای آمریکائی وانگلیسی با تمام قوا میکوشند که با ایجاد اختلاف از یگانگی و همبستگی کشور های این منطقه و از دوستی و نزدیکی بین کشور ما و کشورهای عربی جلوگیری نمایند. پیمان سینو و پیمانی که اخیراً بنام اتحاد ملل اسلامی عنوان میشود از نمونه های بارز این سیاست تفرقه جوئیانه امپریالیستی است. مردم ایران این قبیل پیمانهای امپریالیستی را محکوم میکنند و با هر سیاسی که موجب بر هم زدن مناسبات برادرانه آنها با مانهای عربی و سایر مللهای خاور میانه گردد شدیداً مبارزه میکنند. هرگونه اختلال، هرگونه تجزیه و تفرقه در صفوف نیروهای که بخاطر صلح، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم مبارزه مینمایند کمکی به نیروهای ارتجاع و تهاجم و جنگناست. ما مضار این تفرقه را با پوست و گوشت خود در کشورمان حس میکنیم و زندگی در

# نیروهای ترقیخواه جهان تبهکاری فوجیع ارتجاع اندونزی را در مورد کشتار کمونیستهای اندونزی - مبارزان

## قهرمان راه استقلال ملی و سعادت مردم اندونزی بشدت محکوم میکنند

بقیه از صفحه ۱

### کنگره بیست و سوم حزب کمونیست اتحاد شوروی

برنامه های رشد اقتصادی اتحاد شوروی بطوری که اکثریت نمایندگان احزاب برادر نیز خاطر نشان ساختند خلاصت انترناسیونالیستی دارد و از جمله دفاع از کشورهای سوسیالیستی و از جنبش آزادیبخش ملل یکی از ملاک های بنیادی بهنگام تهیه و تنظیم آن است. آلکسی کاسیگین در توضیح این نکته گفت: «ما کمونیستها همیشه انترناسیونالیست بوده و هستیم. بهمین جهت ملاک ما در حل مسائل داخلی این است که برنامه ها و اعمال ما باید به کامیابیهای جدید جامعه کشور های سوسیالیستی، طبقه کارگر جهانی و جنبش آزادیبخش ملل مساعدت کند.»

رفیق هوشی مین نیز در تلگراف تبریک خود بکنگره این نکته را تصریح کرده و در باره اهمیت انترناسیونالیستی برنامه های رشد اقتصادی اتحاد شوروی نوشته است: «این برنامه برای ملل کشور های سوسیالیستی برادر، برای طبقه کارگر و زحمتکشان و ملل ستمکش سراسر جهان منبع الهام پیکار علیه امپریالیستهای متجاوز تحت سرکردگی امریکا و مبارزه برای صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم است.»

تصمیم جنبش جهانی کمونیستی از مسائل مرکزی کنگره بود. کنگره تصریح کرد که جنبش جهانی کمونیستی مواضع خود را بیش از پیش تحکیم می بخشد. اکنون ۸۸ حزب کمونیست و کارگری جهان قریب ۵۰ میلیون عضو دارند. وجود امپریالیسم و ماهیت تجاوزکارانه امپریالیستهای امریکا و تهاجم وحشیانه آنان به ویتنام، مجاهدت در راه تأمین وحدت عمل کلیه احزاب کمونیست و اتحاد صفوف جنبش جهانی کمونیستی را بوظیفه اساسی تمام کمونیستهای جهان بدل کرده است. در کنگره و اسناد آن تصریح شد که حزب کمونیست اتحاد شوروی برای تأمین وحدت عمل تمام کشورهای سوسیالیستی و تمام احزاب کمونیست و کارگری جهان از بذل هیچگونه مجاهدتی دریغ نخواهد داشت. در قطعنامه مصوبه کنگره گفته میشود: «کنگره لازم میبشمارد که در آینده نیز شی تحکیم جنبش جهانی کمونیستی و تأمین وحدت عمل تمام احزاب برادر در مبارزه علیه دشمن مشترک یعنی امپریالیسم و راه پرور ساختن امر صلح، دموکراسی، آزادی ملی و سوسیالیسم تعقیب شود.» ولی کنگره خاطر نشان کرد که تحکیم وحدت جنبش فقط بر بنیاد مارکسیسم-لنینیسم خلق، پیگیری در مبارزه علیه هرگونه انحراف راست و «چپ» از اصول مارکس - انگلس - لنین، آشتی ناپذیری با کلیه مظاهر هژمونیسم در داخل جنبش جهانی کمونیستی، مبارزه قاطع علیه انواع مظاهر رویزیونیسم راست و «چپ» علیه دکواتیسم و ناسیونالیسم میسر خواهد بود. کنگره کمونیستهای شوروی و فادایی خود را با صلح برابری و استقلال احزاب برادر در قطعنامه خود که رأی ۴۹۴۲ نماینده کنگره پشتوانه آنست تصحیح کرد. رفیق برزوف در گزارش خود بخصوص باین نکته اشاره کرد و گفت: «تحکیم وحدت مناسبات موازی را که احزاب با کار جمعی خود برای مناسبات میان خویش مقرر نموده اند یعنی برابری کامل و استقلال، عدم مداخله در امور یکدیگر، پشتیبانی متقابل و همبستگی انترناسیونالیستی را ایجاد میکند. احزاب کمونیست در کار انقلابی تجربه فراوان دارند و هیچکس بهتر از آنها نمیتواند برای مسائلی که در برابرشان مطرح است راه خلهای صحیح نیابد. اتحاد شوروی مخالف هرگونه هژمونیسم در جنبش کمونیستی و هوادار مناسبات واقفانه انترناسیونالیستی مبتنی بر برابری حقوق میان تمام احزاب برادر است.»

در قطعنامه کنگره در باره شرط ضروری تحکیم وحدت جنبش کمونیستی گفته میشود: «وحدت مسلکی و سیاسی صفوف کمونیستها که اتحاد شوروی در آینده نیز همواره در راه تأمین

آب مجاهدت خواهد ورزید مبارزه آشتی ناپذیر مارکسیست - لنینیستها را علیه رویزیونیسم راست و «چپ» ایجاد میکند. انحراف از شی مارکسیستی-لنینیستی خواه به «چپ» و خواه به راست و وقتی با مظاهر ناسیونالیسم و هژمونیسم درآمیزد خطر خاص پدید میآورد.»

پشتیبانی از پیکار عادلانه خلق ویتنام از شوراکنیز ترین بخش فعالیت کنگره بود. تمام نمایندگان کنگره و کلیه هیئت های نمایندگی احزاب برادر مراتب پشتیبانی بیدریغ خود را از این خلق قهرمان ابراز داشتند و وحدت عمل کلیه کشور های سوسیالیستی و تمام جنبش کمونیستی را برای جلوگیری از تجاوز امپریالیستهای امریکا به ویتنام و قطع تهاجم وحشیانه به خاک جمهوری دموکراتیک ویتنام خواستار شدند. رفیق برزوف در گزارش خود بکنگره اعلام کرد که:

«مردم ویتنام از کمک اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و از هواخواهی و پشتیبانی نوده های وسیع مردم تمام کشورها برخوردارند. اتحاد شوروی هم آوا با ملل صلح دوست سراسر جهان قطع تجاوز امریکا به ویتنام و خروج کلیه نیرو های مداخله گران را از این کشور با قطعیت طلب میکند.»

ما با قطعیت تمام اعلام میداریم که متجاوزین در قبال توسعه جنگ شرم آور علیه مردم ویتنام با پشتیبانی روز افزون اتحاد شوروی و سایر دوستان و برادران سوسیالیستی از ویتنام روبرو خواهند شد. هرگز کسی قادر نخواهد بود مشعل سوسیالیسم را که جمهوری دموکراتیک ویتنام بر فراشته است، خاموش سازد.»

رفیق کاسیگین در گزارش خود گفت:

«اتحاد شوروی از مردم آزادخواه ویتنام پشتیبانی کامل میکند. ما این پشتیبانی را به هر میزانی که لازم باشد اقتدر ادامه خواهیم داد تا مردم ویتنام پیکار قهرمانانه خود را علیه مداخله گران به پیروزی نهائی برسانند.»

روح پشتیبانی پر شور حزب کمونیست و مردم شوروی از پیکار قهرمانانه مردم ویتنام در قطعنامه مصوبه کنگره منعکس است:

حزب کمونیست اتحاد شوروی از پیکار عادلانه و آزادیبخش مردم قهرمان ویتنام تمام و کمال پشتیبانی کرده و خواهد کرد و کمکهای سیاسی، مادی و معنوی با آنان مبذول خواهد داشت. قطع تجاوز امریکا به ویتنام، خروج نیرو های امریکا از خاک ویتنام، اگرداری امکان بمردم ویتنام برای حل و فصل امور داخلی خود - چنین است موضع استوار و بیکیفر حزب کمونیست اتحاد شوروی و تمام مردم شوروی، نمایندگان خلق قهرمان ویتنام برای این پشتیبانی برادرانه و مؤثر اتحاد شوروی ارزش عالی قائل هستند. رفیق هوشی مین ضمن تلگراف خود بکنگره نوشت:

«مردم ویتنام در پیکار خود علیه امپریالیست های امریکا و در راه دفاع از ویتنام شمالی و آزادی ویتنام جنوبی و اجلی وحدت میهن ما همیشه هوا خواهی، پشتیبانی و کمکهای همه جانبه مردم شوروی را احساس میکنند. ما با مناسبت این پشتیبانی و کمکهای مجدانه ای که حزب و دولت و خلق اتحاد شوروی برادر بمردم ویتنام مبذول داشته و میدارند تصمیمانه از آنان سپاسگزاریم.»

رفیق لهزوان دبیر اول کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام ضمن سخنرانی خود در کنگره بنمایندگی از طرف تمام خلق ویتنام گفت:

پشتیبانی نیرومند کنگره بیست و سوم حزب کمونیست اتحاد شوروی برای مردم ما و سلحشوران نیرو های مسلح ما عامل عظیم الهام بخش است. ملل ستمکش و استثمار شونده در سراسر جهان خلق

آیند هیچگاه ما را غافلگیر ن سازند و مکافات اعمال خود را بطور قطعی و بیدرتنگ به بینند.»

کنگره ضمن افشاء سیاست تجاوزکارانه و تأکید ضرورت تشدید مبارزه علیه امپریالیسم و بخصوص امپریالیسم امریکا در عین حال خاطر نشان ساخت که وفادار است و این بدانه مناسبت که اتحاد شوروی همزیستی مسالمت آمیز را شکل می دهد و سرمایه داری تلقی میکند و در عین حال معتقد است که باید مناسبات صلح آمیز با کشورهای سرمایه داری را حفظ کرد و حل و فصل مسائل مورد اختلاف را از طریق مذاکرات انجام داد و در این زمینه جدا از جنگ احتراز جست. ولی رفیق برزوف ضمن توضیح محتوی اصولی همزیستی مسالمت آمیز گفت: «بدیهیست آنجا که از جریان درونی مبارزه طبقاتی و پیکار آزادیبخش ملل در کشورهای سرمایه داری با مستعمرات سخن در میان باشد همزیستی مسالمت آمیز نمیتواند وجود داشته باشد. اصل همزیستی مسالمت آمیز در مناسبات میان ستمگران و ستمکشان، میان استعمارگران و قربانیان ستم استعمار مصداق نخواهد داشت.»

لئو تید برزوف بخصوص این نکته مهم را خاطر نشان کرد که:

«حزب ما و دولت ما این نظر سخیف را مؤکد کرده ایم که گویا دول بزرگ نمیتوانند مناسبات خود را بر پایه مواضع با منافع کشورهای ملل دیگر مبتنی سازند. تمام کشور ها هم از خرد و بزرگ بطور یکسان، حق دارند بخواهند که حاکمیت و استقلال و تمامیت و ارضی شان محترم شمرده شود. تجاوز زین حق برای هیچکس مجاز نخواهد بود.»

از مسائل مهمی که کنگره توجه خاص بان معطوف داشت رهنمود های برنامه پنجساله رشد اقتصاد شوروی بود. این برنامه که برای سالهای ۱۹۶۶ - ۱۹۷۰ در نظر گرفته شده مرحله مهمی در راه ایجاد بنیاد مادی و فنی کمونیسم و تحکیم بیش از پیش قدرت اقتصادی و دفاعی اتحاد شورویست. وظیفه عمده اقتصادی این برنامه تسریع هرچه بیشتر رشد صنایع و کشاورزی با استفاده از آخرین دستاوردهای علمی و فنی و بر این پایه ترفیع سطح زندگی و ارتقاء هر چه کاملتر نیازمندی های مادی و معنوی مردم شورویست. در گزارش آلکسی کاسیگین اهمیت بین المللی و نقش انقلابی این برنامه خاطر نشان شده است: رفیق کاسیگین گفت: «نیروی سر مشق طبقه کارگر پرورمندی که در راه سوسیالیسم و کمونیسم به پیش میروند یکی از مهمترین عواملی است که بر شدت پیروز انقلابی در سراسر جهان کمک میکند. ما بجزارت می توانیم بگوئیم که برنامه های اقتصادی ما و کامیابیهای ما به تریب مبلغ سوسیالیسم و کمونیسم در میان توده های عظیم تمام کشورهای جهان هستند. رفیق کاسیگین با استناد به پیشگویی مشهور لنین گفت: «کشور سوسیالیستی ما تاثیر عمده خود را بر انقلاب جهانی از طریق سیاست اقتصادی خود اعمال میکند. چنانکه میدانیم اینبند از بیان این اندیشه عمیق مسئله مسأله اقتصادی میان دو سیستم جهانی سرمایه داری و سوسیالیسم را در نظر داشت. اتحاد شوروی پس از قمع ضد انقلاب داخلی و خارجی عملا در همان اوایل سالهای بیست و نهم قرن حاضر باین سلسله پرداخت.»

آلکسی کاسیگین در گزارش خود بیک نکته مهم دیگر هم اشاره کرد و گفت:

«ما با رشد اقتصادی خود در عین حال قدرت دفاعی اتحاد شوروی و اقتدار تمام ارتقاء یافته سوسیالیستی را تحکیم می بخشیم. اگر قدرت عظیم نظامی کشور های سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی بطور مستقیم یا غیر مستقیم دستاوردهای انقلابی مردم شوروی و ملل دیگر را - حراست نمیکرد - موجودیت آنها در معرض خطر قرار میگرفت. اگر می بینیم که امپریالیستها آفتور که گاه ما بایند عمل نمیکند فقط بدان سبب است که نیک میدانند عمل آنها چه مخافتی در پی خواهد داشت.»

شوروی را رفیق صدیق و همرز وفادار و تکیه گاه خود در مبارزه علیه نیرو های ارتجاع جهانی و در راه آزادی جامعه بشری از قید کلیه اشکال ستمگری و استثمار میدانند.

رفیق لهزوان سبب هنگامیکه پرچم اهدائی کارگران لنینگراد را از نمایندگان آنان در پات میگرد گفت:

« برای ما کمونیستهای ویتنام دو وطن وجود دارد: یکی ویتنام و دیگری اتحاد شوروی یعنی کشوری که برای نخستین بار سوسیالیسم در آنجا پیروز شده است. مردم ویتنام ایمان عمیق دارند که مردم شوروی آنها را در برابر تهاجم خواهند گذاشت.»

نگوون تی خین بن رئیس هیئت نمایندگی جنبه آزادی ملی ویتنام جنوبی ضمن نطق شورانگیز خود گفت:

«مردم ویتنام جنوبی هر روز در جریان اخبار مربوط به پشتیبانی مردم شوروی هستند و با شانی فراوان مشاهده میکنند که مردم شوروی برادر در پیکار دشوار و پرافتخار مردم ویتنام همواره در کنار آنها هستند.»

نمایندگان کنگره و اکثر نمایندگان احزاب برادر در سخنرانی های خود خاطر نشان کردند که جریان زندگی و سیر تکامل جهانی پیوسته است. بدینی را در برابر جنبش ما مطرح میسازد که بسیاری از آنها بررسی مشترک احزاب برادر را ایجاد میکند. نیل بوحدت نظر در این مسائل یکی از شرایط مهم تأمین وحدت انترناسیونالیستی و جنبش جهانی کمونیستی است. باینجهت حزب کمونیست اتحاد شوروی و اکثریت احزاب برادر ضمن تصدیق سوهدندی ملاقاتهای چند جانبه و دو جانبه ای که تاکنون میان احزاب برادر برای بررسی مسائل مختلف جنبش صورت گرفته است تشکیل جلسه مشاوره جهانی جدید احزاب برادر را هنگامیکه شرایط لازم برای آن فراهم شده باشد ضروری اعلام کردند. در قطعنامه کنگره این نکته تصریح شده است:

«کنگره برآنست که ملاقاتهای چند جانبه و دو جانبه احزاب برادر و تبادل نظر دائم و بررسی رفیقانه مسائل مهم کار سوهدنیدست که صحت خود را به ثبوت رسانده و در عین حال راه خویشیست برای اتحاد صفوف جنبش کمونیستی. حزب کمونیست اتحاد شوروی و اکثریت احزاب برادر دعوت جلسه مشاوره جدید احزاب کمونیست و کارگری را در هر زمانی که شرایط آن فراهم باشد - صلاح میدانند.»

نمایندگان کلیه احزاب برادر ضمن سخنرانی های خود برای نقش عظیمی که کشور زادگاه کمونیسم در مبارزه علیه دشمن مشترک یعنی امپریالیسم و در تسریع پیروزه انقلابی جهانی و تغییر دائم تناسب قوای جهانی بسود نیروهای ترقیخواه دارد - اهمیت بسزا قائل شدند. رفیق لادیسلاو گومولکا دبیر اول کمیته مرکزی حزب کارگری متحده لهستان در سخنرانی خود گفت:

«اتحاد شوروی دژ نیرومند و مدافع صلیبه آرمانهای آزادیبخش سوسیالیستی و صلح دوستانه سراسر جامعه بشریست.»

یانوش کادار در میان کنفرانسیهای تمام نمایندگان کنگره و نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری ۸۶ کشور جهان گفت:

«سنگ محک انترناسیونالیسم همیشه بر خورد اصولی به اتحاد شوروی بوده و هست. کمونیسم ضد شوروی وجود نداشته و وجود ندارد و هرگز وجود نخواهد داشت.»

کنگره ۲۳ حزب کمونیست اتحاد شوروی با تحلیل عمیق مسائل مهم دوران ما با بسبب کار اصولی و واقف بیانه با روح عمیق انترناسیونالیستی و دفاع از مارکسیسم - لنینیسم خلق در قبال هرگونه انحراف بر راست و «چپ» و هر گونه رویزیونیسم راست و «چپ» و دکماتیک جای برجسته ای در تاریخ حزب و در مبارزه تأمین برای وحدت جنبش جهانی کمونیستی اجراء کرده است.

ما کامیابیهای هرچه بیشتر برادران شوروی خود را در مجاهدات عظیمی که برای تحقق تصمیمات مهم کنگره بیست و سوم در پیش دارند از صمیم قلب آرزو مندیم.